مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مادر فضیلت ها

زندگی نامه ام البنین

علی آقاجانی قناد

بسم الله الرحمن الرحیم

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام

نویسنده:

علی آقاجانی قناد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

اشاره ----- ۸

فهرست مطالب ----- ۱۱

دیباچه ----- ۱۵

پیش گفتار ----- ۱۷

بخش اول: سیمای ام البنین علیهاالسلام ----- ۱۹

اشاره ----- ۱۹

فصل اول: مشخصات ام البنین علیهاالسلام ----- ۲۱

اشاره ----- ۲۱

فواطم در صدر اسلام ----- ۲۱

نسب ام البنین علیهاالسلام ----- ۲۳

ولادت ام البنین علیهاالسلام ----- ۲۶

نام اصلی ام البنین علیهاالسلام ----- ۲۶

سبب نام گذاری به ام البنین علیهاالسلام ----- ۲۶

ام البنین ها در تاریخ ----- ۲۷

فصل دوم: مقام ام البنین علیهاالسلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان ----- ۲۹

اشاره ----- ۲۹

مقام ام البنین علیهاالسلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام ----- ۲۹

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیهاالسلام ----- ۳۰

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیهاالسلام ----- ۳۳

اشاره ----- ۳۳

وفا ----- ۳۳

ادب ---------- ۳۴
ولایت دوستی و ولایت پذیری ---------- ۳۵
شجاعت و شهامت ---------- ۳۶
سخنوری و شاعری ---------- ۳۷
علم و دانایی ---------- ۳۸
فصل چهارم: ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام ---------- ۴۰
اشاره ---------- ۴۰
ام البنین علیهاالسلام و فرزندان فاطمه علیهاالسلام ---------- ۴۲
ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام ---------- ۴۳
فصل پنجم: ام البنین علیهاالسلام و عاشورا ---------- ۴۴
اشاره ---------- ۴۴
ام البنین علیهاالسلام و سفر امام حسین علیه السلام ---------- ۴۷
ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا ---------- ۴۸
دیدار زینب علیهاالسلام با ام البنین علیهاالسلام ---------- ۵۰
نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام در بقیع ---------- ۵۱
فصل ششم: به سوی ابدیت ---------- ۵۶
اشاره ---------- ۵۶
زمان و مکان وفات ام البنین علیهاالسلام ---------- ۵۶
فضیلت بقیع ---------- ۵۶
زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام ---------- ۵۸
فرزندان و نوادگان ام البنین علیهاالسلام ---------- ۵۸
اشاره ---------- ۵۸
الف) فرزندان ام البنین علیهاالسلام ---------- ۵۸
ب) نوادگان ام البنین ---------- ۶۳
فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیهاالسلام ---------- ۶۵
بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی ---------- ۷۲

اشاره ----- ۷۲
اشعار ----- ۷۴
اشاره ----- ۷۴
داغِ دل ام البنین علیهاالسلام ----- ۷۴
داغ جاودانه ----- ۷۶
پیک عزا ----- ۷۷
ام بی بنین ----- ۷۸
زبانِ حال مادر ----- ۷۸
داغدیده ----- ۸۰
داغ آتشین ----- ۸۲
مظهر مهر و وفا ----- ۸۳
متون ادبی ----- ۸۶
اشاره ----- ۸۶
دست های آسمانی ----- ۸۶
یاد عباس ----- ۸۶
عطر بقیع ----- ۸۷
بخش سوّم: همراه با برنامه سازان ----- ۸۹
اشاره ----- ۸۹
توصیه های کلی ----- ۹۱
پیشنهادهای برنامه ای ----- ۹۲
پرسش های مسابقه ای ----- ۹۳
پرسش های کارشناسی ----- ۹۳
پرسش های مردمی ----- ۹۵
کتاب نامه ----- ۹۷
درباره مرکز ----- ۱۰۲

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : آقاجانی قناد، علی

عنوان و نام پدیدآور : مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام/علی آقاجانی قناد؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : [۲] ، ۷۲ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۶۷۴.

شابک : ۴۸۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۴۹-۶:

یادداشت : کتابنامه: ص. ۶۹ - ۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : زندگی نامه ام البنین علیهاالسلام.

موضوع : ام البنین، - ۶۴؟ق. -- سرگذشتنامه.

موضوع : زنان مسلمان.

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی استان قم.

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲/الف۷۵ آ۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۳۶۲۹۹

ص:۱

اشاره

فهرست مطالب

فهرست مطالب۴

دیباچه۶

پیش گفتار۸

بخش اول۱۰

سیمای ام البنین علیهاالسلام۱۰

فصل اول: مشخصات ام البنین علیهاالسلام۱۲

فواطم در صدر اسلام۱۲

نسب ام البنین علیهاالسلام۱۳

ولادت ام البنین علیهاالسلام۱۶

نام اصلی ام البنین علیهاالسلام۱۶

سبب نام گذاری به ام البنین علیهاالسلام۱۶

ام البنین ها در تاریخ۱۷

فصل دوم: مقام ام البنین علیهاالسلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان۱۹

مقام ام البنین علیهاالسلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام۱۹

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیهاالسلام۲۰

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیهاالسلام۲۳

وفا۲۳

ادب۲۴

ولایت دوستی و ولایت پذیری۲۵

شجاعت و شهامت۲۶

سخنوری و شاعری۲۷

علم و دانایی۲۸

فصل چهارم:ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام۳۰

ام البنین علیهاالسلام و فرزندان فاطمه علیهاالسلام۳۲

ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام۳۳

فصل پنجم: ام البنین علیهاالسلام و عاشورا۳۴

ام البنین علیهاالسلام و سفر امام حسین علیه السلام۳۷

ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا۳۸

دیدار زینب علیهاالسلام با ام البنین علیهاالسلام۴۰

نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام در بقیع۴۱

فصل ششم: به سوی ابدیت۴۵

زمان و مکان وفات ام البنین علیهاالسلام۴۵

فضیلت بقیع۴۵

زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام۴۷

فرزندان و نوادگان ام البنین علیهاالسلام۴۷

الف) فرزندان ام البنین علیهاالسلام۴۷

پژوهش درباره یک مسأله۵۰

ب) نوادگان ام البنین۵۱

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیهاالسلام۵۳

بخش دوّم۶۰

برگزیده ادب فارسی۶۰

اشعار۶۲

داغِ دل ام البنین علیهاالسلام۶۲

داغ جاودانه۶۳

پیک عزا۶۳

ام بی بنین۶۴

زبانِ حال مادر۶۴

داغدیده۶۵

داغ آتشین۶۶

مظهر مهر و وفا۶۶

متون ادبی۶۸

دست های آسمانی۶۸

یاد عباس۶۸

عطر بقیع۶۹

بخش سوّم۷۱

همراه با برنامه سازان۷۱

توصیه های کلی۷۳

پیشنهادهای برنامه ای۷۴

پرسش های مسابقه ای۷۵

پرسش های کارشناسی۷۵

پرسش های مردمی۷۷

کتاب نامه۷۹

دیباچه

دیباچه

در تاریخ صدر اسلام، زنان بسیاری بودند که پابه پای مردان و گاه جلوتر از آنان، رسالت انسان ساز خویش را ایفا می کردند، آنان افزون بر انجام فعالیت های معمول در خانه، در سنگر اجتماع نیز در دفاع از ارزش های اسلامی، به جان فشانی می پرداختند.

در این میان، ام البنین علیهاالسلام ، مادر حضرت عباس علیه السلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

او در خانواده شرف و شجاعت رشد یافت و آن گاه که به خانه امیرمؤمنان علیه السلام آمد، صفا و صمیمیت را به ارمغان آورد. وی می دانست خانه ای که در آن قدم گذاشته، با همه کوچکی اش، انسان های بزرگی را در خود جای داده است که تاریخ بشر را دگرگون می سازند.

ام البنین با معرفتی که به مقام اهل بیت علیهم السلام داشت، فرزندانی را در دامان خود پرورش داد که به مفاهیمی چون: ایثار، وفا و فداکاری معنا بخشیدند.

بی تردید، در عصر حاضر که غرب با بیان الگوهای نامناسب و مبتذل می کوشد فرهنگ منحط خود را گسترش دهد، مسئولیت ما در معرفی الگوهایی سازنده هم چون ام البنین علیهاالسلام دوچندان می شود.

بر این اساس، پژوهش گر ارجمنـد، جناب آقای علی آقاجانی قناد کوشـیده است فضایل و مَنش این مادر فـداکار را به تصویر کشند و آن را فرا راه مان قرار دهد، با سپاس از ایشان امید است این مجموعه مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

جامعه امروز ما، تشنه نوشیدن از چشمه های جوشان و زلال معرفت و معنویت قهرمانان فضیلت است؛ آنانی که چونان ستارگان شب افروز درخشیدند و به جامعه خود و تمامی جوامع حق جو، نور و روشنایی بخشیدند و با حضور در عرصه تاریخ، زمانه دیگری آفریدند.

جوان امروز، بیش و پیش از هر چیز، مشتاق شناختن الگوهایی است که مانند او بودند، ولی زندگی خویش را به تصویرهای ناب و زیبای اخلاق انسانی و کمال الهی آراستند، به گونه ای که با گذشت سال ها، هنوز یادشان بر صفحه قلب ها جای دارد؛ نامشان بر لب ها زمزمه می شود و مرام شان باور درونی عاشقان است. جوان امروز نیازمند الگو و نمونه است؛ الگویی که به او نزدیک شود، از او بشنود، با او بگوید و با او زندگی کند.

امروز وظیفه سترگ قلم های آگاه و آگاهی بخش، باز پروری شایسته و مناسب زندگانی مردان و زنان فضیلت آفرین است. امروزه رشد کمّی و حتی برتری کیفی زنان و دختران در عرصه های گوناگون اجتماعی کاملاً روشن است و همه می بینیم که آنان در ساختار اجتماع، نقشی اساسی دارند. افزون بر آن، رسانه های دین ستیز نیز با گستردن دام

بی اخلاقی و ولنگاری، الگوهای کاذب را ترویج می کنند و بر طبل پر هیاهوی فمینیسم(۱) افراطی می کوبنـــد و از این راه،احساسات پاک دختران نوجوان و جوان را آلوده می سازند. از این رو، شناساندن الگوهای موفق و اسوه های فکری و عملی زنان کوشا در تاریخ اسلام، اهمیت والایی دارد و باید به شناسایی اسوه های دانایی و ایمان و فضیلت همت گماشت.

فاطمه ام البنین علیهاالسلام نمونه ای از زنان انسان پرور و برجسته به شمار می آید؛ او زنی شایسته، همسری آگاه و مادری آموزگار و نمونه بود، به گونه ای که نام عباس علیه السلام را بدون نام مادرش ــ ام البنین علیهاالسلام ــ نمی توان در ذهن تصویر کرد. نام ام البنین علیهاالسلام ، یادآور عظمت عباس و درخشندگی سیمای ابالفضل است. نام او خلاصه گذشت، ادب، داکاری، غیرت، محبت و ولایت پذیری و در یک کلام «عشق» است.

در سالی که به نام امام حسین علیه السلام متبرک شده و از سوی رهبر فرزانه انقلاب، سال عزت و افتخار حسینی نام گرفته است، به نگارش زندگانی بانوی بزرگ اسلام ــ حضرت فاطمه ام البنین علیهاالسلام ــ همت گماشتیم. باشد که بلندای عظمت آن مادرِ فضیلت ها، همه را دربرگیرد و ما را در شمار خادمان و عاشقان خود و فرزند باوفایش، قمر بنی هاشم علیه السلام برگزیند.

۱- Femenism.

بخش اول: سیمای ام البنین علیهاالسلام

اشاره

بخش اول: سیمای ام البنین علیهاالسلام

زیر فصل ها

فصل اول: مشخصات ام البنین علیهاالسلام

فصل دوم: مقام ام البنین علیهاالسلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیهاالسلام

فصل چهارم: ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام

فصل پنجم: ام البنین علیهاالسلام و عاشورا

فصل ششم: به سوی ابدیت

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیهاالسلام

فصل اول: مشخصات ام البنین علیهاالسلام

اشاره

فصل اول: مشخصات ام البنین علیهاالسلام

زیر فصل ها

فواطم در صدر اسلام

نسب ام البنین علیهاالسلام

ولادت ام البنین علیهاالسلام (۱)

نام اصلی ام البنین علیهاالسلام

سبب نام گذاری به ام البنین علیهاالسلام

ام البنین ها در تاریخ(۲)

فواطم در صدر اسلام

فواطم در صدر اسلام

در تاریخ زنان صدر اسلام، سه شخصیت بلند مرتبه یعنی فاطمه زهرا علیهاالسلام ــ دختر پیامبر و همسر علی علیه السلام ــ ، فاطمه بنت اسد مادر علی علیه السلام و همسر ابی طالب ــ و فاطمه ام البنین علیهاالسلام ــ همسر علی علیه السلام و مادر عباس علیه السلام ــ در معرفت، کمال و بزرگی سرآمدند. از این رو، می توانیم آن ها را «فواطم» صدر اسلام بنامیم. گفتنی است منزلت بانوی نمونه اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام بسیار برجسته تر است و نقش ایشان در حوادث اجتماعی و سیاسی و فرهنگی روزگار خود، بسیار کارساز بود. فاطمه بنت اسد نیز چنان پاک سرشت و بی آلایش بود که دیوار خانه کعبه به رویش گشوده می شود تا فرزند یگانه اش ــ علی علیه السلام ــ را به دنیا آورد. فاطمه بنت اسد، پس از درگذشت عبدالمطلب و ورود پیامبر به خانه عمویش ابوطالب، نگاهبانی و پرستاری یتیم قریش را بر عهده گرفت. هنگام درگذشت وی، پیامبر، با شکوه فراوان بر پیکرش نماز خوانـد و بر وی گریست و او را مادر خویش نامید. وی این افتخار را دارد که مادر دوازده امام معصوم علیه السلام است و به احتمال بسیار برای فاطمه پنج ساله مادر از دست داده نیز مادری کرده است.(۳)

۱-

۲-

۳- ریاحین الشریعه، ذبیح اللّه محلّاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸، چ ۱، ج ۳، صص ۳ _ ۱۱.

چهره پر فروغ دیگر، فـاطمه بنت حِزام(۱) ام البنین علیهاالسـلام ـ همسـر علی و مادر عباس ـ است که مقامش با مقام عصمت فاطمه زهرا علیهاالسلام هم تراز نبوده و در رتبه فاطمه بنت اسد نیز نیست. اخلاص و ارادت و ادب او نسبت به خاندان عترت و هم چنین مقـام اخلاـقی ایشـان چنان آشـکار بود که وی پس از این دو بانوی بزرگ، در جایگاه والایی قرار می گیرد. در این میان، نسـبت این ستارگان فضیلت با علی علیه السلام قابل توجه است که یکی، مادر و دیگری همسر و هم کفو و آن دیگری، همسـر برگزیـده او است. هم چنین نسب این فواطم بـا عبـاس علیه السـلام زیباست که ایشان دست پروردِ ام البنینی است که به خادمی زهرا علیهاالسـلام افتخار می کند و جده اش نیز فاطمه بنت اسد است. شـباهت میان این سه بزرگ بانوی تاریخ اسـلام، پرورانـدن فرزندانی اسوه است که هر یک در محضـر دیگری، بزرگی آموخته است؛ حسن و حسـین در محضـر امام علی علیه السلام و عباس در محضر امامان حسن و حسین علیهماالسلام .

نسب ام البنین علیهاالسلام

نسب ام البنین علیهاالسلام

پیشـینه و اصـالت خـانوادگی، شـاخص مهمّی در برقراری پیونـدها و رابطه هـا در میـان افراد و خـانواده هاست؛ به دلیل این که شاخص های رفتاری،

۱- عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، قم، انتشارات صدر، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷؛ اعلام النساء، عمر رضا کحاله، دمشق، مطبعه الهاشمی، ۱۳۷۸، چ ۲، ج ۴، ص ۴۰؛ تنقیح المقال فی علم الرجال، مامقانی، نجف، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۲۸؛ اعیان الشـیعه، سیدمحسن امین، بیروت، دارالتعـارف للمطبوعـات، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۴۲۹ و ج ۸، ص ۳۸۹؛ ادب الطـف او شـعراء الحسین، جواد شبّر، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۲. گفتنی است محقق شوشتری صاحب قاموس الرجال، نام فاطمه را برای ام البنین نمی پذیرد و دلیل آن را نیامدن این نام در کتاب هایی چون: رجال طوسی، نجاشی، تاریخ طبری و... می داند قاموس الرجال، ج ۶، صص ۲۷ ـ ۲۸.

غریزی و تربیتی افراد را بایـد در پیشـینه خـانواده هـا جست. هر چه خـانواده ای، شاخص های اخلاقی و رفتاری والاتری داشـته باشد، نشان دهنده اصالت آن خانواده است.

اصالت خانوادگی در گذشـته نیز حساس و مهم بوده است و هر خانواده و قبیله و طایفه ای که ویژگی های اخلاقی و جسمانی برجسـته تری داشت، به خود می بالید. این موضوع در میان عرب ها، بسیار مهم بود و به صورت افراطی در مورد آن حساسیت نشان می دادند. البته با آمدن اسلام، این احساسات تا اندازه ای به شکل درست هدایت شد.

حضرت ام البنین علیهاالسلام (۱) از خاندان و طایفه ای است که به شـهامت، رشادت و شجاعت و ویژگی های نیکوی اخلاقی مشهور بودند. و همین موضوع در ازدواج علی علیه السلام با ام البنین علیهاالسلام تأثیر گذار بود.

نسب پدری ام البنین علیهاالسلام چنین است: ام البنین علیهاالسلام ، دختر حِزام بن خالد بن ربیعه بن وحید... بکر بن هوازن.(۲) نسـب مـادری وی نیز بـه قرار زیر اسـت: ام البنیـن علیهاالسـلام دختـر ثمـامه از خانـدان سـهل بـن عـامر بن مالـک بن جعفر بن کِلاب.(۳)

بدین ترتیب، ام البنین علیهاالسلام از شعبه بزرگ مُضَر و از بطن عامر و از

۱- مروج الـذهب، علی بن حسـین مسـعودی، برگردان: ابوالقاسم پاینـده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چ ۵، ج ۲، ص ۶۷؛ تاریخ الامم و الملوک، طبری، ج ۲، ص ۴۴۰؛ المختصر فی اخبار البشر، عمادالدین اسماعیل ابی الفداء، قاهره، مکتبه المتبنی، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تاریخ ابن الوردی، ابن وردی، نجف، انتشارات چاپ خانه حیدری، ۱۳۸۹ ه . ق، چ ۳، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲- بحارالانوار، محمدباقر مجلسـی، بیروت ـ لبنان، دار احیاء التراث العرابی، ۱۴۰۳ ه . ق، چ ۳، ج ۵، ص ۳۷؛ مقاتل الطّالبیّین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق: سید احمد صقر، قم، شریف رضی، ۱۳۷۲ ه . ق، ص ۸۷.

۳- ام البنین؛ نماد از خود گذشـتگی، محمـدرضا عبدالامیر الانصاری، برگردان: موسـی دانش، مشـهد، انتشارات آسـتان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

خاندان کلاب است. در صدر اسـلام، تیره های گوناگون این شـعبه، طایفه بزرگ هوازن را تشـکیل می دادند. آنان در جنوب مکه می زیسـتند و میان آن ها و اهل مکّه از دیر باز دشـمنی بوده است. حتی در عصـر جاهلیّت، جنگ های بسیاری میان آنان روی داد. پس از ظهور اسـلام نیز یکی از سـخت ترین جنـگ هـای مسـلمانان با همین طایفه هوازن بود. جنگ با آنان یکی از سهمنـاک ترین نبردهـا پس از فتـح مکّه بود که با پیروزی لشـکر اسـلام پایان یافت به این ترتیب، می بینیم که قبیله ام البنین از قبیله های معروف عرب به شمار می رفت و در شجاعت و چالاکی زبانزد بودند.

افرادی از این قبیله مانند: ابوبراء عامر بن مالک به سـبب شـجاعت و قدرتش به «ملاعب الاسنّه»(۱) یا به عبارت بهتر کسـی که سرنیزه ها را به بازی می گیرد، مشـهور بود.(۲) عامر بن طفیل از دیگر اجداد اوست که در عصـر خود از نام آورترین شجاعان و دلاـوران عرب بـود، به گـونه ای که قیصـر روم هر که را بـا وی نسـبتی داشت، گرامی می داشت.(۳) عروه الرحال(۴) یکی دیگر از اجـداد مادری ام البنین علیهاالسـلام است. او نزد نعمان بن منذر ــ پادشاه معروف عرب ــ جایگاه والایی داشـته است. فارس قرزل نیز در شمار این پهلوانان بود.

۱- نیزه باز.

۲- الکنی و الالقاب، محـدث قمی، نجف، حیدری، ۱۳۷۶ ه . ق، اُفست، تهران، صدر، ۱۳۶۸، چ ۵، ج ۱، ص ۱۷؛ ادب الطفّ، ج ۱، ص ۷۲.

۳- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیه السلام ، علی ربانی خلخالی، قم، مکتب الحسین، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۹.

۴- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیه السلام ، علی ربانی خلخالی، قم، مکتب الحسین، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۲۰.

ولادت ام البنین علیهاالسلام

ولادت ام البنین علیهاالسلام (۱)

پنج سال از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه می گذشت؛ سالی که برای پیامبر و یارانش در مدینه بسیار سخت بود؛ سالی که لشکر قریش برای زدودن اسلام به سوی مدینه گسیل شدند و قهرمان کفر، عمرو بن عبدود با ضربه علی علیه السلام به هلاکت رسید. در همین سال در بخش جنوبی شهر مکه، در طایفه هوازن، در میان قبیله نام آور کلاب و در خانه حِزام بن خالد، همه چشم به راه تولد نوزادی بودند؛ نوزادی که مقدّربود در آینده، به همسری قهرمان ایمان وعدالت ــ علی علیه السلام ــ درآید.

نام اصلی ام البنین علیهاالسلام

نام اصلی ام البنین علیهاالسلام

از مهم ترین حقوق فرزند بر پدر و مادر، نهادن نام نیک بر او است. در آن زمان نیز نهادن نام نیکو و شایسته بر فرزندان، مهم بود و نام زیبا افتخاری ارزنده به شمار می آمد. بنابراین، هنگام ولادت ام البنین علیهاالسلام ، ایشان را به بافضیلت ترین نامی که برای دختران عرب مرسوم بود، نام گذاری کردند: فاطمه.

سبب نام گذاری به ام البنین علیهاالسلام

سبب نام گذاری به ام البنین علیهاالسلام

در میان اعراب آن زمان، کنیه همانند نام خانوادگی امروز اهمیت داشت. زنان نیز مانند مردان، کنیه هایی داشتند که گاه دامنه شهرت آن از کنیه مردان فراتر می رفت چنان که فرزندان را به کنیه مادرشان می خواندند. ام

۱- ناگفته نماند که تاریخ ولادت این بانوی بزرگ در هیچ یک از کتاب های تاریخی قدیمی نیامده است هم چنان که تاریخ ولادت بسیاری از زنان نامدار دیگر نیز ثبت نشده است. با توجه به این که تاریخ نویسان، تولد فرزند بزرگ ام البنین ــ عباس علیه السلام ــ را در سال ۲۶ ه . ق می دانند، به احتمال زیاد، سنّ وی هنگام ازدواج حدود ۱۹ سال بوده است. بر این اساس، می توان تاریخ ولادت وی را در سال پنجم هجری حدس زد. ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۱۰.

البنین علیهاالسلام نیز به عنوان کنیه فاطمه بنت حزام انتخاب شد، ولی چرا این کنیه را برای ایشان برگزیدند؟

در میان عرب آن زمان، چه در عصر جاهلیت و چه در زمان اسلام، رسم بود که هرگاه زنی سه پسر یا بیش تر به دنیا می آورد، او را به این کنیه می خواندند و چون ام البنین علیهاالسلام چهار فرزند پسر داشت، او را ام البنین علیهاالسلام نامیدند. البته عرب ها رسم دیگری نیز داشتند که در آغاز تولد نوزاد، وی را به کنیه ای نیکو می نامیدند. در واقع، تفأّل به خیر می زدند. چنان چه به زنان دیگری، کنیه ام الخیر یا ام الکرام داده اند. پس چون داشتن فرزندان و پسران بیش تر، مایه افتخار بوده است، به نظر می آید حضرت ام البنین علیهاالسلام از کودکی به این کنیه نامیده شده باشد. امروزه هرگاه نام ام البنین علیهاالسلام برده می شود، جز فاطمه ام البنین علیهاالسلام ـ مادر ابوالفضل علیه السلام ـ نام دیگری در ذهن ها مجسم نمی شود؛ یعنی کنیه ایشان جای گزین نام شان گشته است.(۱)

به هر حال، در آغاز ولادت فاطمه، کنیه ام البنین را برای او برگزیدند؛ تفأل نیکویی که به واقعیت پیوست و او پسران چهار گانه ای به دنیا آورد که یاور دین و ولایت گشتند.

ام البنین ها در تاریخ

ام البنین ها در تاریخ(۲)

پیش تر گفتیم ام البنین، کنیه ای بود که برای بسیاری از زنان و دختران ـ چه در آغاز تولد و چه پس از آن ـ برمی گزیدند. در تاریخ، نام چند تن

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، سیدمهدی سویج، ص ۱۲.

۲- نک: ام البنین؛ سیده نساء العرب، سیدمهدی سویج، صص ۱۶ ـ ۱۹.

از زنان که چنین کنیه ای داشته اند، ثبت شده است. در این جا، چند تن از آن ها را می آوریم:

۱. ام البنین، همسر عقیل بن ابی طالب؛

۲. ام البنین، دختر عبدالعزیز بن مروان، همسر ولید بن عبدالملک؛

۳. ام البنین، ام سعد بنت رافع که چهار پسرش به نام های اسعد، اوس، الیاس، و عمر در رکاب رسول خدا به شهادت رسیدند؛

۴. ام البنین، مادر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام .

فصل دوم: مقام ام البنین علیهاالسلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان

اشاره

فصل دوم: مقام ام البنین علیهاالسلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان

زیر فصل ها

مقام ام البنین علیهاالسلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیهاالسلام

مقام ام البنین علیهاالسلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

مقام ام البنین علیهاالسلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

ام البنین علیهاالسلام از وقتی پا به خانه علی علیه السلام گذاشت، همواره خود را در خدمت فرزندان فاطمه علیهاالسلام می دید و عشق و محبت خود را نثار آنان می کرد؛ محبتی بی ریا و خالصانه که تمام وجود او را در بر گرفته بود. او خدمت به فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و مادری کردن در حق ایشان را فرصت و توفیقی خدادادی در زندگی خویش می شمرد. از این رو، خود و فرزندانش بسان پروانه بر گرد شمع وجود علی و یادگاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و فاطمه زهرا علیهاالسلام می گشتند و از نور ایشان پر فروغ می شدند.

اهل بیت علیهم السلام نیز که سرچشمه های کرامت و فضیلت اند، همواره حق مادری ایشان را به جا آورده و پاس خدمت هایش را نگه داشته اند. هر چند در تاریخ از اهل بیت علیهم السلام درباره او سخنی به طور مستقیم ثبت نشده، ولی آن چه به صورت غیر مستقیم رسیده است، بر ارجمندی و بلندی مقام او نزد اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. آن چه از امامان علیهم السلام درباره فضیلت اباالفضل علیه السلام صادر گشته، در واقع تجلیل غیر مستقیم از ام البنین علیهاالسلام است. زینب کبرا ــ عقیله بنی هاشم و پیام آور کربلا ــ پس از ورود به مدینه، همواره مقام ام البنین علیهاالسلام را در نظرداشت و به وی احترام می گذاشت؛ به عیادت او می رفت و ازاو دلجویی می کرد.

ام البنین علیهاالسلام همواره فرزندان فاطمه علیهاالسلام را از جان خویش گرامی تر و عزیزتر می دانست و به آنان خالصانه احترام می گذاشت. از این رو، به یقین، نزد اهل بیت، مقامی بلند و ستودنی دارد.

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیهاالسلام

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیهاالسلام

بی شک، ام البنین علیهاالسلام که مظهر ایمان، شجاعت و عشق به ولایت است، از تمجید و ستایش دیگران بی نیاز است، ولی چون سخن بزرگان می تواند گوشه ای از زوایای وجودی آن بانوی بزرگ اسلام را بنمایاند، سخن این بزرگان و عالمان را می آوریم:

۱. عقیل بن ابی طالب؛ برادر امام علی علیه السلام و پدر بزرگوار مسلم بن عقیل است. وی عالم فرزانه و نسب شناس عرب بود و همو ام البنین علیهاالسلام را به علی علیه السلام معرفی کرد. عقیل درباره خاندان ام البنین علیهاالسلام می گوید:

در میان عرب، شجاع تر از پدران ام البنین علیهاالسلام نبود.(۱)

۲. ابو نصر، سهل بن عبداللّه بخاری از عالمان قرن چهارم در کتابش سرّ السلسله العلویه می نویسد:

... و ام البنین علیهاالسلام پیش و پس از درگذشت آن حضرت (امیرمؤمنان علیه السلام) با کس دیگری ازدواج نکرد.(۲)

۱- عمده الطالب، ص ۳۵۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۱؛ نفس المهموم، محدّث قمی، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۱ ه . ق، ص ۳۳۲.

۲- سرّ السلسله العلویه، ابونصر بخاری، نجف، چاپ خانه حیدری، ۱۳۸۱ ه . ق، ص ۸۸.

۳. شیخ جعفر ربعی معروف به نقوی؛ فقیه و ادیب برجسته عرب زبان در عصر حاضر است. او در کتابش به نام زینب کبری می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با فضیلت، خوش بیان، سخنور، پرهیزگار و اهل عبادت بود و حق اهل بیت علیهم السلام را به خوبی می شناخت.(۱)

۴. عالم فرهیخته، زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی (وفات: ۹۶۵ ه . ق) نیز می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با معرفت و پر فضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دل بستگی خالص و بی اندازه داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قایل بودند و به او احترام ویژه می گذاشتند. در روزهای عید، به احترام او به محضرش می رفتند و به ایشان ادای احترام می کردند.(۲)

۵. سیدمحسن امین در کتاب اعیان الشیعه می نگارد:

ام البنین علیهاالسلام شاعری خوش بیان و از خانواده ای اصیل و شجاع بود.(۳)

۶. علامه سید عبدالرزاق موسوی مقرّم (وفات: ۱۳۹۱ ه . ق) می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با فضیلت بود. وی حق اهل بیت علیهم السلام را خوب می شناخت و در محبت و دوستی با آنان خالص بود و ایشان نیز در میان آن بزرگواران، جایگاه بلند و مقام ارجمندی داشت.(۴)

۱- زینب الکبری، شیخ جعفر ربعی نقوی، مؤسسه امام حسین، ۱۴۱۱ ه . ق، چ ۱، ص ۲۵.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۷.

۳- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

۴- العباس، عبدالرزاق المقرّم، انتشارات شریف رضی، چ ۱، ص ۷۲، برگرفته از: ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۸.

۷. علی محمد دخیّل؛ نویسنده عرب زبان معاصر می نویسد:

بزرگواری این زن (ام البنین) هنگـامی روشن می شود که بـدانیم وقـتی خبر شـهادت فرزنـدانش را به او می دهنـد به آن توجه نمی کند، بلکه از سلامتی حضرت امام حسین علیه السلام می پرسد؛ گویی حسین علیه السلام فرزند او است نه آنان.(۱)

۸. علاّمه حاج شـیخ باقر شریف قرشی؛ نویسنده کتاب عباس بن علی، رائد الکرامه در فضیلت حضرت ام البنین علیهاالسلام می نویسد:

در تاریـخ دیـده نشـده است که زنی نسبت به فرزندان هووی خود محبتی خالصانه ورزد و آنان را بر فرزندان خویش پیش تر بدارد جز این بانوی پاک؛ یعنی ام البنین علیهاالسلام .(۲)

۱- العباس بن امیرالمؤمنین علیه السلام ، علی محمد علی دخیّل، لبنان ــ بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۰۱ ه . ق، چ ۱، ص؟.

۲- العباس بن علی؛ رائد الکرامه و الفداء فی الاسلام، باقر شریف القرشی، دار الکتاب الاسلامی، ص ۲۳، برگرفته از: ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۸.

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیهاالسلام

اشاره

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیهاالسلام

اگر بخواهیم ویژگی برجسته حضرت ام البنین علیهاالسلام را یاد کنیم، باید آن را در وفاداری وی به اسلام و خاندان عترت جست. وفای آن بزرگوار در جان و روح فرزندانش جریان یافت و صحنه هایی بی مانند و ناب از محبت و وفاداری را در عاشورا آفرید.

وفا

وفا

وفا صفتی ارزنده و ستودنی است و در هر کسی باشد، او را گرامی و عزیز می گرداند. وفاداری و پای بندی به عهد و پیمان، فضیلتی بزرگ است که حتی در میان صفت های دیگر، خودنمایی می کند و منزلتی والا دارد؛ زیرا آراسته شدن به وفاداری و ملکه شدن آن در روح و روان آدمی، مستلزم پاکی و مراقبت همیشگی و پیروزی بر همه زشتی ها و وسوسه های شیطانی است.

اگر آن چه وفا به آن مربوط می شود، اسلام، امامان معصوم و خاندان وحی باشند، صفت وفا ارزشی آسمانی به خود می گیرد. ام البنین علیهاالسلام در خاندانی پرورش یافت که وفاداری به ارزش های انسانی در آن فضیلتی سترگ شمرده می شد. از این رو، این خوی خدایی با وجود او درآمیخت و ملکه وجودش گشت. ایشان نیز این صفت را در محضر مولا علی علیه السلام پروراند و در وجود فرزندانش جاری ساخت.

ام البنین علیهاالسلام هم چنان که در زندگانی علی علیه السلام و فرزندانش، کمال وفا را در حق آنان نگاه داشت، پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این وفاداری باقی ماند. بدین جهت، پس از شهادت جان سوز علی علیه السلام با هیچ مرد دیگری ازدواج نکرد.(۱) همین حس ایمان و وفاداری در وجود اباالفضل تجسم یافت؛ هنگامی که آب گوارا در کف داشت، به یاد لب تشنه برادر، آب را فرو ریخت.

ادب

ادب

صفت ادب از مهم ترین شاخصه های شرافت انسانی است و دو مصداق دارد:

۱. ادب در برابر خدا؛

۲. ادب در برابر مردم.

ام البنین علیهاالسلام که از دامان خاندانی ادب پرور برخاسته بود، در محضر اسوه ادب _ علی علیه السلام _ آن را بارور ساخت و الهی گردانید. او در پیشگاه خدا ادب بندگی را نگاه می داشت و نسبت به مردم فروتن بود؛ ولی بزرگ ترین نمود ادب او، در برابر علی علیه السلام و فاطمه و فرزندان معصوم آنان است. هنگامی که به خانه علی علیه السلام قدم نهاد، خود را نه به عنوان جانشین فاطمه علیهاالسلام ، بلکه به عنوان خادم فرزندان فاطمه می دانست. با آنان به ادب رفتار می کرد و آن ها را گرامی می داشت. عباس علیه السلام از این سرچشمه ادب، تربیت آموخت که برادرش حسین علیه السلام را

۱- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، انتشارات علّامه، ج ۳، ص ۳۰۵.

همیشه یا سیدی یا اباعبداللّه (۱) خطاب می کرد و همواره ادب را در گفتار و رفتار خود نسبت به فرزندان زهرا علیهاالسلام نگاه می داشت.

ولایت دوستی و ولایت پذیری

ولایت دوستی و ولایت پذیری

عشق و محبت به ولایت با جان او آمیخته بود. او علی علیه السلام را نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و حجت خدا در میان مردم می دید و همین سان به فرزندان معصوم او می نگریست. صفا و صمیمیّت در محبت ایشان به مقام ولایت، موج می زد. هرگاه حسنین را بیمار می دید، دست مهربانی بر سرشان می کشید و هم چون مادر از آنان پرستاری می کرد. با سخنان مهربانانه اش، دل هایشان را آرامش می داد و در برابر آنان فروتنی می کرد.(۲) هرگاه با آنان رو به رو می شد، به ایشان لبخند می زد.(۳)

هنگام وداع با پسرانش وقتی که همراه اباعبداللّه به سوی مکّه و کربلا حرکت می کردند، با روی باز از آنان استقبال کرد. پاسداری از وجود حسین علیه السلام را به آنان سفارش فرمود و فداکاری در راه حسین را به آنان گوشزد کرد.(۴) به راستی، برای او آسان بود که داغ جان سوز چهار فرزندش را ببیند، ولی حسین علیه السلام به سلامت باشد؛ پسرانش در راه حسین علیه السلام قطعه قطعه گردند، ولی حسین علیه السلام بماند. از این رو، وقتی بشیر خبر شهادت شهیدان کربلا را آورد، ایشان نخست نه از فرزندانش، بلکه از حسین علیه السلام پرسید و سراغ حسین علیه السلام را گرفت و گفت: «

۱- معالی السبطین، شیخ محمد مهدی الحائری، ج ۱، بیروت، لبنان، مؤسسه النعمان، ص ۴۴۳.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۳- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۴- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰؛ ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۴.

فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد».(۱) این چیزی نیست جز ولایت پذیری و محبت و ایمان؛ یعنی ذوب شدن در ولایت.

شجاعت و شهامت

شجاعت و شهامت

دلیری و شجاعت صفتی است که وجودش در مردان، به آنان برتری و بزرگی می بخشد. اگر این صفت در وجود زنی نهفته باشد که خود دارای کمال علمی و ادبی نیز هست، از او شخصیتی سرآمد و ممتاز می سازد. ام البنین علیهاالسلام از خانواده ای برخاسته بود که معدن شجاعت و سرچشمه رشادت و غیرت به شمار می آمدند. به همین دلیل، وقتی علی علیه السلام از عقیل در مورد همسری که فرزندی شجاع بپرورد، راهنمایی خواست، او را به ام البنین علیهاالسلام که خاندانش همه از شجاعان و پهلوانان عرب بودند، راهنمایی کرد.

ام البنین علیهاالسلام این صفت خاندانش را به ارث برده بود. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و شهادت عباس و دیگر فرزندانش در بقیع حضور می یافت و عبیداللّه فرزند خردسال عباس علیه السلام را نیز به همراه می برد. این روحیه، شهامت و شجاعت او را در مقابل باطل نشان می دهد. به یقین، در آن فضای خفقان به بقیع آمدن و عزاداری کردن به گونه ای که مردم جمع شوند و با او هم ناله گردند(۲) عمل عاطفی صِرف نیست، بلکه رنگ و بویی سیاسی دارد. در آن شرایط که یزیدیان از

۱- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۶.

۲- ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام ، محمد بن طاهر سماوی، ۱۳۷۷، مرکز تحقیقات سپاه، ص ۵۶؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۹۶؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۵؛ برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۷۰.

پیروزی موقت خود سرمست بودند و حتی مدینه را نیز در واقعه حرّه به خاک و خون کشیدند، این چنین خودنمایی و شجاعت، تنها از شیرزنی هم چون ام البنین علیهاالسلام برمی آید که از آبشخور شجاعت سیراب گشته باشد. از دامن چنین مادری، عباس علیه السلام برخاست و با رشادت هایش در کربلا، دل اهل بیت حسین علیه السلام را تسکین داد.

سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری، ویژگی هایی است که جامه فخر بر تن آدمی می پوشانند و هنری هستند که برای دارنده آن، مایه افتخار به شمار می آیند. سخنوری و شاعری در میان اعراب صدر اسلام نیز امتیاز برجسته ای به شمار می رفت. هر کس از این هنر والا بیش تر بهره داشت، بلند مرتبه تر و گرامی تر بود. همان گونه که گفته شد خاندان کلاب در میان عرب، به ویژگی های نیکویی همچون شجاعت، سخاوت، شاعری و سخنوری و... زبانزد بودند.

در میان قبیله کلاب که خود از شاعران و سخنوران بزرگ بودند، ام البنین علیهاالسلام مقامی برجسته و ستوده دارد. علامه نقوی در کتاب زینب کبری در این باره می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از زنان فاضلی بود که به حق اهل بیت علیهم السلام شناخت کامل داشت. هم چنین ایشان به شیوایی و رسایی سخن می گفت.(۱)

عمر رضا کحّاله در اعلام النساء او را شاعری خوش بیان معرفی می کند.(۲)

۱- زینب الکبری، ص ۲۵.

۲- اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، عُمَر رِضا کحّاله، ۱۴۰۴، مؤسسه رسالت، چ ۵، ج ۴، ص ۴۰.

سیدمحسن امین نیز در اعیان شیعه چنین می نویسد.(۱) او از این سخنوری و شاعری سود می برد و مردم را به دور خود در بقیع گرد می آورد و با هم نوحه سرایی می کردند.

علم و دانایی

علم و دانایی

برترین گوهر برای انسان، علم آموزی و ارزنده ترین زیور برای او، آراستگی به معرفت و دانایی است. علم و دانایی به آدمی فضیلت و منزلت می بخشد و هر که از آن بیش تر مایه گرفته باشد، فضیلتش افزون تر است. ام البنین علیهاالسلام که خود از دانش و فضیلت مایه داشت، در خانه علی علیه السلام نیز از کمالات علوی سرشار گشت، به گونه ای که همه آنانی که از ام البنین علیهاالسلام نامی برده اند، وی را به فضل و کمال و علم ستوده اند. از این رو، عشق و علاقه او نسبت به اهل بیت و علی علیه السلام تنها در روابط عاطفی نبود، بلکه از آگاهی و شناخت وی نسبت به آنان سرچشمه می گرفت.

برخی افراد مانند سیدمهدی سویج در کتاب ام البنین سیده نساء العرب در بیان فضل و دانش او، ایشان را با جناب زینب کبری علیهاالسلام البته در سطح پایین تر مقایسه می کند و او را به صفت عالمه می ستاید. این ویژگی آشکارا درباره هیچ کس جز زینب کبری علیهاالسلام گفته نشده است.(۲)

این نویسنده از کتاب معالی السبطین و کنز المصائب نقل می کند که حضرت عباس علیه السلام ، علم خود را در کودکی از محضر پدر و مادرش (ام

۱- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۱.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۱.

البنین) آموخته است.(۱) از این رو، صفت عالمه را برای او، سخن آن حضرت دانسته است.

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، برگرفته از: معالی السبطین، ج۱، ص ۳۱.

فصل چهارم: ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام

اشاره

فصل چهارم: ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام

مدتی از شـهادت فاطمه علیهاالسـلام می گذشت و علی علیه السـلام هنوز در فراق «یاس کبود» خود می سوخت. شکیبایی تنها چاره او بود، ولی فرزنـدان علی به سـرپرست و پرسـتار نیاز داشـتند و علی علیه السـلام ناچار بود تا همسـری برگزینـد. نخستین همسر علی علیه السلام پس از فاطمه علیهاالسلام ، اُمامه ــ دختر زینب؛ فرزند رسول خدا ــ بود.(۱)

او را فاطمه علیهاالسـلام به علی معرفی کرده بود تا پس از شهادتش با او ازدواج کند؛ چون می دانست او برای فرزندانش، دل سوز خواهـد بود. بنـابراین، علی علیه السـلام پس از شـهادت فـاطمه علیهاالسـلام بـا دختر خواهر آن حضـرت ــ یعنی اُمـامه ــ ازدواج کرد و وصیت زهرا علیهاالسلام را عملی ساخت.

هر چند علی علیه السـلام پس از شـهادت زهرا همسـران دیگری نیز انتخاب کرد، ولی همیشه در پی همسری بود که از خاندان شجـاعت و غیرت و فضـیلت باشـد. امـام علی علیه السـلام این امر را بـا برادرش عقیـل ــ که نَسَبْ شناسـی ماهر بود ــ در میان گذاشت. امام از او خواست دختری از طایفه های مشهور عرب را برایش برگزینند که به شجاعت و قهرمان

۱- بحارالا‌نوار، ج ۴۳، ص ۱۸۱؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ علل الشـرایع، شیخ صدوق، ص ۱۸۹ البته نـامی از امامه نمی بَرَد؛ اسدالغابه، ابن اثیر، تحقیق، محمدابراهیم بنّا و محمداحمد عاشور، ص ۲۲.

پروری زبانزد باشند تا از او فرزندی رشید، دلیر و باشهامت پدید آید. عقیل که انساب عرب را خوب می شناخت، علی علیه السلام را به خاندان کِلاب راهنمایی کرد و گفت: با ام البنین علیهاالسلام از طایفه کلاب ازدواج کن؛ زیرا در میان عرب، شجاع تر از پدران وی وجود ندارد.(۱)

بی تردید، تأکید امیرمؤمنان علیه السلام در انتخاب همسری شجاع و قهرمان پرور دو مطلب اساسی را نشان می دهد:

نکته اوّل نقش و اهمیتی است که همسر در شکوفایی فرزندان و نظام خانواده بر عهده دارد. ویژگی های اخلاقی و ایمان پدر و مادر اگر چه تنها عنصر تشکیل دهنده ویژگی های فرزند نیست، ولی بخش مهمّی از تربیت فرزند بدان وابسته است. بر همین اساس، در اسلام ازدواج با افرادی که دارای بیماری های روحی، روانی و جسمی هستند، نهی شده است. در مقابل، ازدواج با دارندگان کمال و آراستگی پیشنهاد شده است.

نکته دوم این است که امام علیه السلام با آینده نگری، رویدادهای آینده را پیش بینی می کرده است. امام می دانست که در حماسه کربلا، حضور فرزندی رشید در کنار امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیهاالسلام برای حمایت از دین خدا ضروری است تا حماسه عاشورا در صفحه تاریخ، ماندگارتر باشد.

او می بایست از پدری چون امیرمؤمنان علیه السلام و مادری شجاع و مهربان به دنیا آید؛ مادری که در ویژگی های فردی، نزدیک ترین شخص به زهرای اطهر علیهاالسلام باشد. هرچند امام علیه السلام همسران دیگری داشت، ولی

۱- نک: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹؛ نفس المهموم، ص ۳۰۲؛ اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۴۲؛ دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۹۴.

هیچ یک توانایی پذیرش این امانت سنگین را نداشتند.

آنان گرچه زنانی فاضل بودند، ولی نمی توانستند مادر عباس علیه السلام باشند. بدین گونه، منزلت و قدر فاطمه دختر حزام تجلی می یابد و تقدیر الهی، دست او را در دست بزرگ مرد تاریخ می گذارد و به مقامی می رسد که زنان دیگر به حال او غبطه می خورند.

ام البنین علیهاالسلام و فرزندان فاطمه علیهاالسلام

ام البنین علیهاالسلام و فرزندان فاطمه علیهاالسلام

هُمای سعادت به ام البنین علیهاالسلام روی آورده بود. اکنون او همسر مردی بود که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کسی به پایه فضیلت او نمی رسید. همه چیز آماده بود تا مراسم ازدواج و زفاف علی علیه السلام و فاطمه ام البنین علیهاالسلام باشکوه ویژه ای صورت پذیرد. شماری از خویشان و نزدیکان به این مجلس دعوت شده بودند. ناگهان در میان ازدحام جمعیت، علی و فاطمه با متانتی مثال زدنی به اندرون خانه پاگذاشتند. زیبایی و وقار و ادب و معصومیّت، در چشمان ام البنین علیهاالسلام موج می زد. با ورود آنان، صدای هلهله و شادمانی برخاست. شادی و خوشحالی در رخسار گُل گرفته فاطمه به چشم می خورد و علی علیه السلام از احساس شرم و شادی سرشار بود. در آن میانه، فرزندان زهرا علیهاالسلام نیز نظاره گر آن جشن شادی بودند.

ام البنین علیهاالسلام به خانه علی علیه السلام آمد، ولی هیچ گاه نخواست جایگاه زهرای اطهر علیهاالسلام را جست وجو کند؛ زیرا می دانست قطره در برابر دریا توان خودنمایی ندارد. او نخست، نام خود را تغییر داد تا فرزندان زهرا با شنیدن نام مادرشان ناراحت نشوند و احساس نکنند کسی جانشین مادرشان شده است. ایشان با عشق و محبت و خدمت به فرزندان زهرا

علیهاالسلام ، کانون گرم خانه را گرم تر و پرفروغ تر کرد. عباس علیه السلام به دنیا آمد. ام البنین علیهاالسلام کام فرزند دلبندش را با عشق به اهل بیت علیهم السلام گرفت.

او فرزندش را دوست داشت، ولی نه به اندازه حسن و حسین علیهماالسلام . او آرزو داشت فرزندش در مکتب فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، شاگردی کند و از انوار قدسی آنان بهره گیرد. این اخلاص، به حقیقت پیوست و ام البنین علیهاالسلام و فرزندانش در پرتو محبت به اهل بیت علیهم السلام ، چراغ راه بشریت در همیشه تاریخ شدند.

ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام

ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام

وقتی شمشیر ابن ملجم در سحرگاه نوزدهم رمضان، پیشانی مبارک علی علیه السلام را شکافت و امام علیه السلام در بستر افتاد، همه کسان و همسرانش به جنب و جوش افتادند تا شاید امام بهبودی پیدا کند. در این میان، تلاش سخت کوشانه ام البنین علیهاالسلام چشمگیر بود، ولی ضربت زهرآگین شمشیر کاری بود و امام عاشقانه شور پرواز در سر داشت. لحظه هجران فرا رسیده بود و علی علیه السلام عزم سفر داشت.

ام البنین علیهاالسلام باید با شوهر مهربانش وداع کند؛ شوهری که خلاصه تمام خوبی ها و کمالات انسانی و الهی بود. سرانجام بار مصیبت بر دوش بشریت فرو ریخت و روح علی در شامگاه ۲۱ رمضان سال ۴۰ ه . ق به عرش الهی پر کشید. ام البنین علیهاالسلام ماند و کوله باری از مصیبت و درد؛ مصیبتی که بر او سنگینی می کرد.

فصل پنجم: ام البنین علیهاالسلام و عاشورا

اشاره

فصل پنجم: ام البنین علیهاالسلام و عاشورا

برخی پژوهشگران درباره زنده بودن حضرت ام البنین علیهاالسلام هنگام واقعه عاشورا و پس از آن، تردید کرده اند که به بررسی آن ها می پردازیم. نویسنده کتاب ام البنین؛ سیده النساء العرب به طور کامل به این بحث پرداخته و به اشکال های مطرح شده، پاسخ داده است. ما در این نوشتار، این پرسش ها و پاسخ ها را می آوریم.

علّامه عبدالرزاق مقرّم در کتاب حدیث کربلا و علّامه مظفری در کتاب بطل العلقمی، زنده بودن ام البنین علیهاالسلام هنگام حادثه کربلا را رد می کنند. مقرّم می نویسد:

بر سند مورد اعتمادی که به صراحت بر زنده بودن ام البنین علیهاالسلام در هنگام عاشورا دلالت کند، دست نیافتم.(۱)

دلایل مقرّم به قرار زیر است:

۱. برپا شدن مراسم عزاداری در خانه ام البنین علیهاالسلام ، دلیل درستی بر زنده بودند ایشان نیست.

۲. وی به کتاب شرح الکامل که نویسنده ابصار العین بدان استناد می کند و سروده های ام البنین علیهاالسلام را در بقیع می آورد، دست نیافته است.

۳. رجال روایتی که ابوالفرج درباره حضورام البنین علیهاالسلام در بقیع

۱- ام البنین؛ سیده النساء العرب، ص ۷۳، برگرفته از: کتاب حدیث کربلا، ص ۴۲۰.

آورده، ضعیف است.

۴. شـنیدن صدای زن (نوحه و زاری کردن زن به گونه ای که مردان صدای او را بشـنوند) در اسلام نهی شده است. از این رو، گریستن مروان بن حکم بر شهیدان کربلا در اثر نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام پذیرفتنی نیست.

۵. درباره برادران عباس آمده است که آنان پیش از عباس علیه السلام به شهادت رسیدند و ارث آن ها به عباس علیه السلام و از او به فرزنـدش رسـید. اگر ام البنین علیهاالسـلام در آن هنگـام زنـده بود، بایـد ارث برادران عبـاس به مادرشـان برسـد، نه به عباس.

پاسخ های داده شده به دیدگاه مقرّم نیز چنین است:

۱. اگر به پا داشـتن عزا در خانه ام البنین علیهاالسـلام بر زنـده بودن وی دلالت نکنـد، بر وفات وی نیز دلالت نمی کنـد. با این حال، برپایی مراسم عزا در خانه ام البنین علیهاالسلام می تواند تأییدی برای زنده بودن وی باشد.

۲. دست نیافتن بر کتاب شرح الکامل نمی تواند دلیل بر نبود آن باشد. سید مهدی سویج می نویسد:

من آن [شرح الکامل] را در کتاب خانه آل باشعیان در بصره دیدم و مرور کردم.(۱)

۳. دربـاره ضـعیف بودن روایت ابوالفرج از نظر رجـال، بایـد گفت همین روایت را مقرم در کتاب العباس خود می آورد دو به آن اعتماد می کند.(۲) پس چگونه است که در این جا به آن اعتماد نمی کند؟

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۸۴.

۲- العباس، صص ۱۱۳ ـ ۱۱۴، برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۷۳.

۴. این که گریستن مروان بن حکم به سبب مرثیه سرایی ام البنین علیهاالسلام دور از انتظار باشد، بسیار بعید می نماید؛ زیرا عمر بن سعد که خود مباشر اصلی شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش بود، بارها در مصیبت آن حضرت، اشک ریخت. حتی یزید بن معاویه نیز در این مصیبت گریست. البته می دانیم که این گریستن ها جنبه سیاسی داشته است و آنان برای آن که خود را بی گناه نشان دهند، چنین می کرده اند.

۵. دیدگاه مقرم درباره دور از انتظار بودن گریه و نوحه زنان با صدای بلند، نظری نادرست است؛ زیرا در سنت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام این گونه نوحه سرایی ها صورت می گرفته است.

برای نمونه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از ندبه و گریه بلند زنان بر کشتگان اُحُد نهی نفرمود، بلکه به این کار اجازه داد و چون کسی بر حمزه _ عموی گرامی آن حضرت _ نمی گریست، ناراحت شد. هم چنین امام باقر علیه السلام مبلغ مشخصی را وقف کرد تا نوحه گران به مدت ۱۰ سال در موسم منی برای آن حضرت ندبه کنند.(۱)

در نتیجه، هیچ نقل تاریخی معتبری مبنی بر درگذشت ام البنین علیهاالسلام پیش از عاشورا، در دست نیست هم چنان که روایت معتبری نیز درباره زنده بودن آن حضرت در منابع دست اول وجود ندارد. کسانی که به وفات ام البنین علیهاالسلام پیش از عاشورا اعتقاد دارند، بیش تر به روایت ابوالفرج اصفهانی درباره شهادت عباس و برادرش استناد کرده اند. در آن روایت، حضرت عباس علیه السلام وارث برادرانش شمرده شده است. از این

۱- اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰، برگرفته از: منتهی الآمال، محدث قمی، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، ج ۲، ص ۱۳۲۸.

رو، منکران بـا اسـتناد بـه آن و ایـن که اگر ام البنین علیهاالسـلام زنـده می بـود، ارث به او می رسـید، وفـات ایشـان را پیش از عـاشورا دانسـته انـد. گفتنی است این روایت هم از نظر متن و هم از نظر سـند درست نیست. بنابراین، به آسانی می توان زنـده بودن ام البنین علیهاالسلام را در واقعه کربلا پذیرفت.

ام البنین علیهاالسلام و سفر امام حسین علیه السلام

ام البنین علیهاالسلام و سفر امام حسین علیه السلام

با مرگ معاویه در سال ۶۰ ه . ق و به تخت نشسـتن یزید، ولید بن عُتْبه به دسـتور او کوشید تا حسین بن علی علیه السلام را به بیعت با خود وادارد، ولی امام حسین علیه السلام تسلیم نشد. او اسلام و همه تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السـلام و همه خون های شـهیدان اسـلام را با حکم رانی یزید بر باد رفته می دید. از این رو، به نشانه سـرپیچی از بیعت با یزید، به مکه هجرت کرد پس از آن که امام حسـین علیه السـلام ، مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و او آمادگی اهل کوفه را به امام اعلام داشت، ایشان تصـمیم گرفت به سوی کوفه حرکت کند. این تصـمیم، با رسـیدن خبرهایی مبنی بر قصد ترور امام در خانه کعبه به دست کارگزاران حکومت یزیـد هم زمان شـد. در نتیجه امام مکّه را پیش از انجام مناسک حج به سوی کوفه ترک کرد. در این سـفر، ام البنین علیهاالسـلام با کاروان همراه نبود که این مسأله ممکن است به دلیل بیماری، سالخوردگی یا درخواست امام باشـد. افزون بر این، به نظر می رسد هیچ یک از همسـران امام علی علیه السـلام و رسول اکرم صـلی الله علیه و آله وسلم در این سفر با آن حضرت نبوده اند. بنابراین، او در کنار کسانی مانند امّ سلمه ماند.

لحظه وداع این مادر بزرگوار با فرزندان رشیدش، بسیار شورانگیز بود. مادری، چهار عزیز خود را در سفر به همراه حسین علیه السلام بدرقه

می کرد. لحظه وداع دیدنی بود؛ فضا سراسر اشک و احساس و عاطفه بود. نخست فرزند کوچک تر به آغوش مادر رفت. ام البنین علیهاالسلام او را بویید و بوسید. سپس تک تک فرزندان با مادر خداحافظی کردند. آن گاه نوبت به عباس رسید؛ او بزرگ ترین و رشیدترین فرزندانش بود، ولی دل بریدن مادری مانند ام البنین علیهاالسلام از پسری هم چون عباس علیه السلام بسیار سخت و سنگین می نمود. سرانجام پس از بارها بوسه زدن بر گونه های عباسش، سر او را بر سینه خود گذاشت و دستان او را در دستانش گرفت. لحظه ای به سیمای نورانی و زیبای او چشم دوخت و دوباره او را در آغوش فشرد. آن گاه نخست، سفارش برادرانش را به او کرد. سپس به عباس، جعفر، عبداللّه و عثمان رو کرد و گفت:

پسرانم! عزیزانم! چشم و دل مولایم حسین علیه السلام و فرمان بردار او باشید.(۱)

شما فداییان حسینید. هرگز از او دست برندارید و تا آخرین قطره خونتان از او حمایت کنید.

ام البنین علیهاالسلام این چنین، غمگینانه با فرزندانش و امام حسین علیه السلام و کاروانش خداحافظی کرد.

ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا

ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا

پس از آن که نهضت عاشورا، در کربلا به خون نشست، کاروان عترت و پیام آوران شهادت پس از حضور افشا گرانه در کوفه و شام، به سوی مدینه حرکت داده شدند. وقتی کاروان به نزدیک مدینه رسید، امام سجاد علیه السلام به حرکت حماسی و سیاسی دیگری دست زد.

۱- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۴.

بشیر می گوید:

وقتی به نزدیکی مدینه رسیدیم، امام علی بن الحسین علیه السلام فرود آمد. بار شترش را پایین آورد. چادرش را نصب کرد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند. او شاعر خوبی بود. آیا تو نیز از شعر بهره ای داری؟ گفتم: آری! امام علیه السلام فرمود: به مدینه برو و خبر شهادت پدر و عزیزانم را به اهل مدینه برسان.(۱)

مدینه به ظاهر آرام بود، ولی روزها بود که در انتظار شنیدن خبری دهشتناک به سر می برد. بشیر با شنیدن دستور ولی خدا، بر اسب سوار شد و با سرعت خود را به مدینه رساند. وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم شد. صدا را به گریه بلند کرد و با حالتی غمناک، با دو بیت شعر به انتظار تلخ اهل مدینه پایان داد:

یا اَهْلَ یَثْرِبَ لا مُقَام لَکُمْ بِهَا

قُتِلَ الحسینُ فَأَدْمَعی مِدْرارُ

الجِسْمُ مِنْهُ بِکَربَلاءَ مُضَرَّجُ

و الرَّأسُ مِنْهُ عَلَی القَنَاهِ یُدارُ(۲)

_ ای اهل مدینه! دیگر در مدینه نمانید؛ زیرا حسین علیه السلام کشته شد. پس فراوان اشک بریزید. بدن حسین علیه السلام در کربلا، در خاک و خون غلتید؛ در حالی که سرش بر بالای نیزه به این شهر و آن شهر برده می شد.

با اعلام این خبر، مدینه یکپارچه در عزا و شیون نشست. زنان از خانه های خود بیرون آمدند، صورت هایشان را خراشیدند، فریاد ماتم سر دادند و بر مظلومیت حسین علیه السلام و یارانش گریستند.

در آن میانه شور و شیون، ام البنین علیهاالسلام ، مادر شکیبا و صبور عباس

۱- اللهوف الملهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۴۳.

۲- اللهوف الملهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۴۲.

علیه السلام ، خود را به بشیر رساند و فرمود:

«بشیرا از حسین برایم بگو». بشیر گفت: در سوگ چهار فرزند شُجاعَتْ به تو تسلیت می گویم.

نگاه ام البنین علیهاالسلام به بشیر خیره شد و دوباره تکرار کرد: «بشیر: گفتم از حسینم چه خبر آوردی؟ حسینم چه شد؟ فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد».(۱)

آری، برای ام البنین علیهاالسلام ، وجود امام و مقتدایش از همه کس مقدّم بود. آفرین بر این فضیلت و ایمان و مرحبا به این بزرگواری و وفا. او بار دیگر رو به بشیر کرد و گفت: اگر حسین زنده باشد، کشته شدن چهار فرزندم برایم آسان است.(۲)

دیدار زینب علیهاالسلام با ام البنین علیهاالسلام

دیدار زینب علیهاالسلام با ام البنین علیهاالسلام

پس از آمدن اهل بیت علیهم السلام به مدینه و دیدارشان از مرقد نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و بقیع، مجالس عزا و ماتم در خانه های بنی هاشم برپا شد منزل ام البنین علیهاالسلام یکی از این خانه ها بود.

ام البنین علیهاالسلام که چهار فرزندش را در راه امام حسین علیه السلام قربانی کرده بود، سال ها افتخار مادری حسین را داشت. بنابراین، حضرت زینب علیهاالسلام به دیدار او رفت و از او دلجویی کرد.

نقوی در کتاب زینب کبری علیهاالسلام می نویسد:

حضرت زینب علیهاالسلام پس از بازگشت به مدینه، به دیدار ام البنین علیهاالسلام می رفت

۱- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲- ادب الطفّ او شعراء الحسین علیه السلام ، ج ۱، ص ۷۴؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

هم چنان که در ایام عید چنین می کرد.(۱)

علامه مقرم نیز به دیدار زینب علیهاالسلام با وی اشاره می کند و آن را به دلیل بزرگواری و جایگاه بلندش نزد اهل بیت علیهم السلام می داند.(۲)

نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام در بقیع

نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام در بقیع

سنگینی مصیبت امام حسین علیه السلام و لزوم پاسداری از نهضت عاشورا و رساندن پیام آن به آیندگان اقتضا می کرد که بازماندگان و وابستگان این حادثه، آن را با هر روش ممکنی زنده نگاه دارند. یکی از این راه ها، برپایی مراسم سوگواری و عزای عمومی بود. ام البنین علیهاالسلام یکی از کسانی بود که این وظیفه مهم را بر عهده گرفت و آن را به انجام رسانید. بی شک، این موضوعِ افزون بر بار سیاسی، بارِ عاطفی نیز داشته است.

گفتیم که ام البنین علیهاالسلام سخنوری توانا و شاعری خوش بیان بود.(۳)

وی به همراه فرزند عباس ـ عبیداللّه ـ در بقیع حاضر می شد و بر شهیدان کربلا نوحه سرایی می کرد.(۴)

نویسنده کتاب ابصار العین، شعر زیر را از شرح الکاملِ ابوالحسن اخفش نقل می کند و آن را از سروده های ام البنین علیهاالسلام در ماتم فرزندش (عباس) می داند:

۱- زینب الکبری، ص ۸۸، برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۲- العباس، ص ۱۳۳.

۳- اعلام النساء، ج ۴، ص ۴۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

۴- مقاتل الطالبین، ص ۹۰.

يا مَنْ رَأى العباس كَ

رَّ على جماهير النَّقَدْ

وَ وَرَاهُ مِنْ ابناءِ حَىْ

دَرِ كلُّ لَيْثَ ذى لُبَدْ

اُنْبِئْتُ اَنَّ اْبنی اُصِيبَ

بِرَأْسِه مقطوعُ يَدْ

وَيْلی على شِبْلی اَما

لَ بَرَأْسِهِ ضَرْبُ العَمد

لَوْ كَانَ سَيْفُهُ فِی يَدَيْهِ

لما دَنَا مِنْهُ اَحَدْ(۱)

ای کسانی که حمله جانانه عباس را بر گله های گوسفند دیدید و نیز در پی او، فرزندان حیدر را که هر کدام شیری هستند که دست از یـاری اش بر نمی دارنـد. آه! به من خبر داده انـد که بر سـر فرزنـدم عباس، عمود آهنین زدنـد، در حالی که دست در بدن نداشـته است. وای بر من! که بر سر فرزندم عمود فرود آمد. اگر فرزندم عباس، دست در تن و شمشیر در کف داشت، چه کسی را یارای آن بود که به او نزدیک شود؟

بـدین سان ام البنین علیهاالسـلام برای حسـین علیه السـلام و فرزندانش عزاداری می کرد و حتی فرزند خردسال عباس را نیز به همراه می برد. او چنان سوگمندانه نوحه سـر می داد که همگان را به گریه وا می داشت. درباره درست بودن اسـناد این اشـعار به ام البنین علیهاالسـلام ، باید گفت: به یقین بنا بر آن چه گفته شد ام البنین علیهاالسلام در هنگامه عاشورا زنده بوده و به بقیع نیز آمده است. البته درباره این که اشعار یاده شده را او سروده باشد، سند محکمی در دست نیست.

گفتنی است ابیات دیگری را نیز به ام البنین علیهاالسلام نسبت داده اند، مانند

۱- ابصـار العین، ص ۶۴؛ سـفینه البحار، ج ۱، صص ۵۰۹ _ ۵۱۱۰؛ اعیان الشـیعه، ج ۸، ص ۳۸۹؛ ادب الطّـفّ، ج ۱، ص ۷۱؛ زینب الکبری ص ۲۶؛ المجالس السنیّه، ص ۱۱۴؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۹۴؛ نقثه المصدور، ص ۵۹۹.

این موارد

لَا تدَعُوَنِّی وَیکَ ام البنین

تُذکِّرینی بلیوث العرین

کانت بنونَ لی اُدْعَی بِهِمْ

و الْیَوْمَ اَصْبَحْتُ وَ لاَ مِنْ بَنِین

اَرْبعَهٌ مِثْلَ نُسُورُ الرّبی

قَدْ وَاصَلُوا المَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِینِ

تَنَازَعُ الْحِرْصانَ اَشلاَئَهُمْ

فَکُلّهُمْ اَمْسُوا صَرِیعا طَعینِ

یا لَیْت شِعْری اَکَما اَخبَروا

بِاَنَّ عبَّاسا مَقْطُوعَ الیَدَیْنِ(۱)

ای زنان مدینه! دیگر مرا ام البنین مخوانید و مادر شیران شکاری ندانید.

من فرزندانی داشتم که به سبب آن ها مرا ام البنین می گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده و همه را از دست داده ام.

آری! من چهار باز شکاری داشتم که آن ها را هدف تیر قرار دادند و سر از تنشان جدا کردند.

دشمنان با نیزه های خود بدن های پاک آنان را از هم متلاشی کردند و در حالی روز را به پایان بردند که همه آنان با جسد چاک چاک بر روی خاک افتاده بودند.

ای کاش! می دانستم آیا این خبر درست است که دست های فرزندم عباس علیه السلام را از تن جدا کردند.(۲)

ام البنین علیهاالسلام با این حرکت پر شور و شعور خود، هم زمان به چند کار اساسی دست زد:

۱. بیان حماسه عاشورا و دلیری و شجاعت فرزندان خود؛

۲. نمایاندن مظلومیت حق و حقیقت؛

۱- ابصار العین، ص ۶۴، سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۱۰؛ نقثه المصدور، ص ۵۹۹؛ المجالس السنیه، ص ۱۱۴؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹؛ ادب الطَّف، ج ۱، ص ۷۱؛ معالی السبطین، ص ۴۳۲.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۳۷.

۳. بازگو کردن تاریخ کربلا و اعتراض به حکومت جابرانه و ظالمانه یزید و امویان.

فصل ششم: به سوی ابدیت

اشاره

فصل ششم: به سوی ابدیت

زیر فصل ها

زمان و مکان وفات ام البنین علیهاالسلام

فضیلت بقیع

زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام

فرزندان و نوادگان ام البنین علیهاالسلام

زمان و مکان وفات ام البنین علیهاالسلام

زمان و مکان وفات ام البنین علیهاالسلام

تاریخ درگـذشت این بـانوی نامـدار و سترگ در هیـچ یـک از کتاب های معروف تاریخی و روایی نیامـده است. سنّ وی در هنگام وفات نیز مشـخص نشده است. در کتاب سـتاره درخشان مدینه؛ حضـرت ام البنین علیهاالسلام ، سال وفات آن حضرت، سال ۷۰ ه . ق آورده شده است، بی آن که به مدرک معتبری اسـتناد دهد. نویسـنده کتاب سـیده نساء العرب نیز با توضیحاتی، سال وفات ایشان را سال ۶۴ ه . ق دانسته است.

سرانجام، زنی که عمری را در راه عشق به ولایت اهل بیت علیهم السـلام گذرانـد، جام زندگانی جاویدان نوشـید و از غم دنیا آسوده شـد؛ بـانویی که زنـدگانی اش سراسـر مهر و عـاطفه و مبـارزه بود؛ بانویی که همسـر شـهید، مادر شـهید و یکی از پیام رسانان خونین عاشورا بود و همه چیز خود را در راه خدا، خالصانه تقدیم کرد. وی را در قبرسـتان بقیع و در کنار آرامگاه امام مجتبی علیه السلام ، فاطمه بنت اسد، به خاک سپردند. سنّ او را در هنگام وفات می توان میان ۶۰ تا ۶۵ سال حدس زد.

فضیلت بقیع

فضیلت بقیع

قبرسـتان بقیع، در تاریخ اسـلام و مسلمانان جایگاهی نمادین دارد و بسیاری از بزرگان اسلام در آن آرمیده اند. آرامگاه مطهر و نورانی چهار امام شیعه: امام حسن مجتبی علیه السلام ، امام سجاد علیه السلام امام باقر علیه السلام و امام

صادق علیه السلام ، و احتمال وجود آرامگاه بانوی بزرگوار اسلام، حضرت زهرا علیهاالسلام به این قبرستان، منزلتی قدسی بخشیده است، به گونه ای که زیارت آن آرزوی بزرگ هر مسلمانی است. نخستین کسی از مهاجران که در این قبرستان به خاک سپرده شد، عثمان بن مظعون از یاران با وفای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. که مردی زاهد و عابد و صالح بود.

نویسنده تُراث الحرمین می گوید:

بیش از ده هزار تن از اصحاب و تابعین در این قبرستان آرمیده اند.(۱)

افراد مشهور دیگری که در قبرستان بقیع مدفون شده اند، عبارتند از:

۱. ابراهیم؛ پسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که در کودکی در گذشت. گفته اند آرامگاه وی نزدیک بیت الاحزان حضرت زهرا علیهاالسلام قرار دارد.

۲. عقیل بن ابی طالب علیه السلام . البته برخی آرامگاه وی را در شام دانسته اند.

۳. فاطمه بنت اسد علیهاالسلام ـ مادر حضرت علی علیه السلام ـ که در روحاءِ بقیع واقع است.

۴. عباس بن عبدالمطّلب در قبرستان بنی هاشم.

۵. صفیّه دختر عبدالمطّلب مادر زبیر عمه رسول اسلام صلی الله علیه و آله وسلم .

۶. عبداللّه بن جعفر طیّار؛ همسر زینب کبری علیهاالسلام ، قهرمان کربلا.

۷. سه قبری که نزدیک یکدیگرند و گفته می شود که آرامگاه زینب، رقیه و ام کلثوم، دختران رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم باشد.

۸. حلیمه سعدیه؛ دایه گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم .

۹. اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام .

۱- دایره المعارف تشیُّع، ج۳، ص ۳۸۳.

۱۰. عبداللّه بن مسعود. به وصیت خودش، وی را نزدیک عثمان بن مظعون به خاک سپردند.

۱۱. سعد بن معاذ از بزرگان انصار و اصحاب رسول اسلام.

۱۲. ابوسعید خدری از فقیهان روزگار خود.(۱)

حضرت ام البنین علیهاالسلام را در این قبرستان پر عظمت تاریخی اسلام به خاک سپردند.

ام البنین علیهاالسلام مادر فرزندانی است که وفاداری، محبت و ادب را در سخت ترین لحظه های زندگی از یاد نبردند؛ مادر عباسی که به یاد لب های تشنه مولایش، آب از کف فرو ریخت؛ مادر مردانی که حسین دوستی و ولایت پذیری، با شیره جان و قطره های خونشان سرشته بود.

زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام

زیارت نامه ام البنین علیهاالسلام

درباره حضرت ام البنین علیهاالسلام زیارت نامه ای از ناحیه ائمه معصومین علیه السلام نرسیده است هم چنان که درباره بسیاری دیگر از امام زادگان نیز چنین است. با وجود این، مؤمنان برای سهولت در زیارت و برشمردن فضایل آن بزرگوار، به تدوین زیارت نامه هایی اقدام کرده اند؛ از جمله حضرت ام البنین علیهاالسلام دارای زیارت نامه ای است که براساس ویژگی ها و فضیلت های ایشان تنظیم شده است.(۲)

فرزندان و نوادگان ام البنین علیهاالسلام

اشاره

فرزندان و نوادگان ام البنین علیهاالسلام

زیر فصل ها

الف) فرزندان ام البنین علیهاالسلام

ب) نوادگان ام البنین(۳)

الف) فرزندان ام البنین علیهاالسلام

الف) فرزندان ام البنین علیهاالسلام

ام البنین علیهاالسلام ، چهار فرزند پسر برای علی علیه السلام به دنیا آورد: عباس، عبدالله ، جعفر و عثمان که این چهار بزرگوار در حادثه کربلا، جام شهادت نوشیدند.

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، صص ۲۳۲ _ ۲۳۵.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۸۴.

۳-

۱. عباس بن علی بن ابی طالب: عبّاس بزرگ ترین فرزند ام البنین علیهاالسلام است و بنا بر نقل تاریخ نویسان در چهارم شعبان سال ۲۶ ه . ق به دنیا آمده است.

علی علیه السلام در روز هفتم تولّد ایشان، وی را عباس نامید و گوسفندی برای او قربانی کرد. هم چنین دستور داد تا سرش را بتراشند و به مقدار وزن مویش، نقره صدقه دهند.(۱)

عباس علیه السلام در پرتو آموزش های امیرالمؤمنین علیه السلام و ام البنین علیهاالسلام پرورش یافت. برخی معتقدند آن حضرت با وجود کوچکی سن، در برخی جنگ های زمان علی علیه السلام مانند نبرد صفین شرکت داشته است. عباس؛ بلند بالا، تنومند و هم چون ماه شب چهارده زیبا بود.(۲)

شجاعتش وصف ناپذیر و بی مانند بود، به گونه ای که وجود مبارک وی در کربلاء مایه آرامش و قوّت قلب اهل بیت امام حسین علیه السلام و سبب وحشت لشکریان عمر سعد می شد.

امام حسین علیه السلام او را بسیار گرامی می شمرد. از این رو، در شب عاشورا وقتی او را به سوی لشکر عمر سعد می فرستاد، فرمود: «بنفسی انت؛ جانم فدایت باد».(۳)

عباس علیه السلام نیز با تمام توانش، بااخلاص و فروتنی در خدمت برادرش، حسین علیه السلام جان نثاری کرد. شب عاشورا در میان یاران اباعبداللّه علیه السلام ، او نخستین کسی بود که زبان به سخن گشود و وفاداری

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۶.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۷.

۳- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۹۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، صص ۳۹۱ _ ۳۹۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۴۲.

و فداکاری خویش را اعلام کرد.(۱)

هم چنین در عصر عـاشورا، پس از شـهادت یـاران و بنی هاشم و سه برادر دیگرش، از امام برای رفتن به میـدان اجازه گرفت. حسـین علیـه السـلام به وی امر فرمـود که آب آورد. پس به سـوی شـریعه فرات روانه شـد و خـود را به آب رسانـد. همین که خـواست از آب بنوشـد، تشـنگی برادر و اهـل بیت او را بـه یـاد آورد؛ آب را فرو ریخت و بـا مشـک پر آب بـه سـوی خیمه بـاز گشت. لشـکریان عمر سـعد راه را بر او بسـتند و بـه سـوی وی حملـه ور شدنـد. دست راست و سـپس دست چپش را جـدا ساختند.

عباس مشک آب را به دندان گرفت که ناگاه آن را با تیری دریدند. سپس با عمودی آهنین بر فرق مبارکش زدند که از اسب بر زمین افتـاد. حسـین علیه السـلام بر بـالینش حاضـر شـد. بـا صـدای بلنـد گریست و فرمود: «اکنون پشـتم شـکست و چـاره ام گسست».(۲)

رجزخوانی عباس علیه السلام در میدان جنگ معروف است که می فرمود:

واللّه ان قطعتموا یمینی

انّی احامی ابدا عن دینی

به خدا سوگند، اگر دست راستم را قطع کنید، همواره از دینم هوا داری می کنم.

۲. عبـداللّه بن علی بن ابی طـالب: وی دومین فرزنـد ام البنین علیهاالسـلام است. به ظاهر، او و عباس علیه السـلام نزدیک به ده سال باهم فاصله سنّی داشته اند.

چنان که در کربلا، اباالفضل علیه السلام ۳۴ ساله و عبداللّه ۲۵ ساله بوده

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۹۶.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۰۴؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ نفس المهموم، ص ۳۰۷.

است.(۱)

۳. جعفر بن علی بن ابی طالب: او ۱۹ یا ۲۱ سال داشت و پس از عبداللّه به میدان رفت و به شهادت رسید.

۴. عثمان بن علی بن ابی طالب: وی شجاعانه با این رجز پای به میدان نهاد:

من عثمانم که آقایم علی علیه السلام است و به ایشان افتخار و مباهات می کنم. برادرم نیز حسین علیه السلام است که بهترین نیکوکاران و سرورعترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام است.(۲)

سن وی را هنگام شهادت ۲۱ سال دانسته اند.(۳)

پژوهش درباره یک مسأله

ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین می نویسد:

عباس آخرین کس از برادران پدر و مادری اش بود که به شهادت رسید؛ زیرا او فرزند داشت و آنان نداشتند. پس نخست برادران خود را به میدان فرستاد. آنان به میدان رفته و به شهادت رسیدند. آن گاه ارث آنان به عباس و سپس به فرزندش عبیداللّه رسید.

این نقل از نظر متن و سند، اشکال دارد. چگونه می شود عباس که آن گونه نسبت به برادر خود جان فشانی می کند، در آن لحظه های عرفانی و آسمانی این گونه بیاندیشد. عابس بن ابی شبیب شاکری، شوذب ـ غلام شاکر ـ را پیشاپیش خود به سوی دشمن می فرستد و می گوید: «اگر فردی از تو نزدیک تر داشتم، دوست داشتم او را روانه جنگ کنم و شهادت او را ببینم».(۴) حال آیا رواست بگوییم، عباس علیه السلام برادرانش را جلوتر به میدان

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸؛ معالی السبطین، ص ۴۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۳۷ ـ ۳۸؛ مقاتل الطالبیین، صص ۸۸ ـ ۸۹؛ مناقب، ج ۴، ص ۱۰۷.

۳- مقاتل الطالبیین، ص ۸۹.

۴- تاریخ طبری، ج ۵، صص ۴۴۳ ـ ۴۴۴.

فرستاد تا وارث آنان گردد و سهم ارث پسرش بیش تر شود.(۱)

از نظر سند نیز رجال این حدیث اعتبار ندارد؛ زیرا راوی آن نوفلی است و رجالی شناسان او را ضعیف الحدیث دانسته اند.(۲) اگر این حدیث از فرد ناشناسی هم باشد، باز قابل اعتماد نخواهد بود.

ب) نوادگان ام البنین

ب) نوادگان ام البنین(۳)

به جز عباس علیه السلام دیگر پسران ام البنین علیهاالسلام فرزندی نداشته و به احتمال زیاد، دارای همسر نیز نبوده اند.

عروس ام البنین علیهاالسلام و همسر اباالفضل علیه السلام ، لبابه دختر عبداللّه بن عباس بن عبد المطلب است. بنا بر دیدگاه مشهور، عباس علیه السلام دو فرزند پسر به نام های فضل و عبیداللّه داشته است. البته برخی شمار آن ها را شش تن دانسته اند و حسن، قاسم، محمّد و دختری بی نام را نیز بدان ها افزوده اند. نوادگان ام البنین علیهاالسلام و عباس علیه السلام از عبیداللّه است و نوادگان عبیداللّه نیز از فرزندش حسن هستند. در این جا نام شماری از سر آمدان خاندان ام البنین علیهاالسلام و فرزندان قمر بنی هاشم علیه السلام را می آوریم:

۱. عبیداللّه بن عبّاس: وی به کمال، جوان مردی و زیبایی مشهور بود و او را رئیس لقب داده بودند.(۴) او در ۵۵ سالگی درگذشت.(۵)

۲. فضل بن حسن بن عبیداللّه : وی سخنور، خوش بیان و دلیر بوده است. به وی ابن هاشمیّه می گفتند. او نزد خلفا نیز موقعیتی داشت. نوادگانش از

۱- تاریخ سیدالشهداء، عباس صفایی حائری، ص ۴۷۳.

۲- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۲۵.

۳- ام البنین؛ سیده نساء العرب، صص ۶۵ _ ۶۹؛ ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، صص ۳۴ _ ۳۷؛ عمده الطالب، احمد بن علی معروف به ابن عنبه، ص ۳۲۷.

۴- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۶۶.

۵- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۴.

سه پسرش جعفر، عباس و محمّد است.(۱)

۳. فضل بن محمد بن فضل بن حسن بن عبیداللّه بن عباس علیه السلام : وی شاعر و سخنوری توانا بود. کنیه او ابوالعباس است. وی درباره مقام جدّش حضرت اباالفضل علیه السلام شعر نیز سروده است.

۴. عباس بن حسن بن عبیداللّه بن عبّاس: او سیدی والا مقام و شاعری خوش بیان بود و در دستگاه هارون الرشید رفت و آمد داشت. «ابونصر بخاری هاشمی زاده ای را که خوش بیان تر از او باشد، ندیده است».

۱- عمده الطالب، ص ۲۸.

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیهاالسلام

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیهاالسلام

حضرت ام البنین علیهاالسلام از زنان بزرگواری است که درگاهش پناهگاه بی کسان و ناامیدان است. از این رو، نزد مسلمانان و شیعیان و دل باختگان آل اللّه علیه السلام ، منزلتی والا دارد و کرامت هایی از او نقل کرده اند که به چند نمونه بسنده می کنیم.

۱. آیت اللّه العظمی حاج سیّدمحمود حسینی شاهرودی رحمه الله می فرمود:

من در سختی ها، صد مرتبه صلوات برای مادر حضرت عباس علیه السلام جناب ام البنین علیهاالسلام ــ می فرستم و حاجت می گیرم.(۱)

۲. آیت اللّه العظمی سیدمحمد شیرازی رحمه الله می فرمود:

شخصی در عالم مکاشفه، حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام را می بیند و عرض می کند: آقا! من حاجتی دارم؛ به چه کسی متوسل شوم تا حاجتم روا شود؟ حضرت می فرماید: به مادرم ام البنین علیهاالسلام .(۲)

۳. در کتاب ام البنین؛ ستاره درخشان مدینه، به نقل از آیت اللّه حاج سید طیّب جزایری آمده است:

در سال ۱۳۴۱ ه . ش در یکی از سفرهایم، یکی از عالمان پاکستان را در مشهد دیدم. از او پرسیدم: پس از زیارت مشهد چه می کنید؟ گفت: به

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۴۰.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۴۲.

پاکستان برمی گردم. گفتم: حیف نیست انسان از پاکستان تا مشهد بیاید، ولی زیارت عتبات نرود؟

سخنم در او اثر کرد و بنا شـد او هم با من به کربلا بیایـد. از این رو، با هم از مشـهد به تهران آمدیم و به سـفارت عراق رفتیم، ولی آن جا اوضاع بسیار ناگوار بود و در دادن ویزا سخت گیری می کردند. به همراهم گفتم: می خواهی کربلا بروی؟ گفت: پس برای چه از مشـهد به تهران آمده ام؟ گفتم: هزار صـلوات نذر حضـرت ام البنین علیهاالسـلام می کنیم، ان شاءاللّه ویزا می دهند.

هر دو نـذر کردیـم که هزار صـلوات هـدیه ام البنین علیهاالسـلام بکنیم. در همین حـال همراهم گفت: من نـامه ای برای سـفیر پاکستان دارم. بیا باهم این نامه را به او برسانیم. به سفارت پاکستان رفتیم. در آن جا نامه را به سفیر دادیم. او بسیار به ما احترام کرد و پرسـید: از تهران به کجـا می رویـد؟ گفتیم: هر دو عـازم عراق هستیم. البته اگر ویزا گیر بیایـد. گفت: اتفاقـا من هم می خواهم به عراق بروم. کمی صبر کنید تا مدارکم را آماده کنم.

پس از مدتی آمد و گفت: دو نامه به نام شما برای کنسول عراق نوشته ام. نامه را گرفتیم و ناامیدانه به سفارت برگشتیم.نامه را به دربـان سـفارت دادیم. دربان رفت و پس از مـدتی با دو فرم برگشت و پرسـید: عکس را آورده ایـد؟ گفتم: بله! سـپس فرم های مخصوص را پر کردیم و همراه عکس و گذر نامه به آن شخص دادیم.

بنـا به گفته آن شـخص، سـاعت یک بعـد از ظهر به جلو سـفارت رفتیم. نخست اسـمی که صـدا کردنـد، اسم ما دو نفر بود. با دلواپسی گذرنامه را

باز کردم. دیـدم ویزای سه ماهه زده اند. از خوشـحالی اشک از چشـمانم سـرازیر شد. سـپس به زیارت عبدالعظیم حسـنی علیه السلام رفتیم و صلوات ها را به روح حضرت ام البنین علیهاالسلام هدیه کردیم.

۴. از آیت اللّه العظمی حاج ملاعلی معصومی همدانی رحمه الله (معروف به آخوند) نقل شده است:

در یکی از روسـتاهای همدان، خانمی بود که با وجود آن که سال ها از ازدواجش می گذشت، بچه دار نمی شد. روزی خانم دیگری به او می گویـد: نـذر کن نام فرزندت را ابوالفضل بگذاری. پس از مدتی خداوند فرزندی به او می دهد و او نامش را ابوالفضل می گذارد. آن فرزند در ۱۴ _ ۱۵ سالگی دچار بیماری سـختی می شود، به گونه ای که از زنده ماندنش ناامید می شوند. باز همان خانم، به مادر فرزند توسل به حضـرت عباس علیه السـلام را سـفارش می کند. او نیز چنین می کند. صبح فردا همان خانم به در منزل آن ها می آیـد و می گوید: خدا فرزندتان را شـفا داده است. ناراحت نباشـید. می گوید: تو از کجا می دانی؟ پاسخ می دهـد: در خواب دیـدم گروهی از زنـان به سوی خانه شـما می آینـد که حضـرت ام البنین علیهاالسـلام نیز در میانشان بود و فرمود: برای شفای این پسر می روم.(۱)

۵. حجت الاسلام حاج سیّدجواد موسوی زنجانی می گوید:

یکی از فرزندانم، ناگهان به شدّت سرگیجه گرفت و مدام حالت تهوع داشت. او را نزد پزشک بردم. پزشک داروهایی تجویز کرد، ولی هیچ گونه اثر مثبتی نداشت تا این که رفته رفته وضع بیمار وخیم تر

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۷۵.

می شـد. پس از نیمه شب بـا دکـتر تمـاس گرفتم و وضـعیت را گفتم. وی گفت فـورا او را به بیمارسـتان منتقـل کنیـد. پس از معـاینه، دکتر متخصـص گفت: بیمـاری فرزنـدتان مننژیت حـادّ است و تمـام مغزش را چرک گرفته و زمان معالجه نیز گذشـته است.

با تلاش بسـیار، شورای پزشـکی تشـکیل شد و پزشـکانی از خارج از بیمارسـتان نیز برای معالجه بیمار حاضر شدند. حتی وزیر بهداری وقت، در زمینه معالجه بیمار توصیه هایی کرد، ولی معالجه هیچ گونه تأثیری نداشت. فرزندم یک هفته در حال کُما و بیهوشی بود تا این که شب تاسوعا فرا رسید.

وقتی از یـک سو، نـاتوانی پزشـکان در درمان بیمار و از سوی دیگر، نگرانی و شـیون مادر و خواهران و بسـتگان را دیـدم، دو رکعت نماز خواندم. سـپس صد مرتبه صـلوات فرسـتادم و ثوابش را به حضـرت ام البنین علیهاالسـلام ـ مادر قمر بنی هاشم ـ هـدیه نمودم و خطاب به آن بانوی بزرگوار عرض کردم: هر فرزند صالحی مطیع دسـتورهای مادر خود است. از تو می خواهم از فرزندت ـ باب الحوائج؛ حضرت اباالفضل العباس علیه السلام ـ بخواهی که شفای فرزندم را از خدا بگیرد.

نزدیک سپیـده صـبح بود که از بیمارسـتان تماس گرفتنـد و گفتند: بیمار از حالت کُما بیرون آمده و شـفا یافته است، چنان که گویـا مریض نبوده است. بـا عجله به بیمارسـتان رفتم و فرزنـدم را در حـالت عـادی دیـدم. این در حالی بود که پزشـکان گفته بودند: اگر به احتمال بسیار ضعیف، خوب هم بشود، حتما بینایی و شنوایی اش را از دست خواهد داد یا فلج خواهد شد. همان شب، یکی از بانوان مؤمن محل، حضرت عباس علیه السلام را در

خواب دیده بود که حضرت فرموده بود: موسوی شفای فرزندش را از مادرم خواسته بود و من شفای او را از خداوند گرفتم.(۱)

۶. نویسنده کتاب ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی می نویسد:

خانواده ای ترک زبان و حنفی مذهب به محله ما آمده بودند که از عزاداری های حسینی بدشان می آمد. در میان آنان خانمی بود به نام وزیره که ده سال از ازدواجش می گذشت، ولی هنوز بچه دار نشده بود. اهل محل به او گفتند: چرا به حضرت ام البنین علیهاالسلام متوسل نمی شوی؟ گفت: این کار سودی ندارد. به او گفتند: هر کس از غذای سفره ام البنین علیهاالسلام بخورد و او را در پیشگاه خدا واسطه قرار دهد، خداوند دعایش را می پذیرد. تو نیز چنین کن، شاید خداوند دختری به تو عطا کند و به مبارکی ام البنین علیهاالسلام ، نام او را فاطمه بگذاری. او گفت: می پذیرم به شرط آن که این مطلب میان من و شما باشد و شوهر و خانواده ام از آن آگاه نشوند.

فردا وزیره با نگرانی و هراس، در حالی که صورت خود را با مقنعه ای پوشانده بود، به مجلس روضه ای در منزل حاجیّه امّ عبدالامیر آمد. نخستین مرحله از ذکر مصیبت ام البنین علیهاالسلام پایان یافته بود و ناله و گریه زن ها بلند بود. با دیدن حالت گریه زنان، دل وزیره نیز شکست و غم هایش افزونی یافت. روضه خوان پس از شرحی درباره فضایل ام البنین علیهاالسلام ، برای بهبودی بیماران دعا کرد. آن گاه سفره ام البنین علیهاالسلام پهن شد. وزیره، کمی از خوراکی ها را برداشت و در حالی که اشک هایش جاری بود، از

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۶۲ با گزینش.

منزل خارج شد. او و شوهرش آن غذای متبرک را خوردند.

یـک مـاه پس از این رویـداد، رنـگ چهره وزیره به زردی می گراییـد، به گونه ای که کارهـایش را به سـختی انجـام می داد. شوهرش او را نزد پزشک برد. پزشک می گویـد: ناراحتی های او نشانه بارداری است. دوران بارداری گذشت و او دختری به دنیـا آورد؛ دخـتری کـهماننـد شـمعی به خـانه تاریـک آنـان روشـنی بخشـید. وزیره می خـواست برای تـبرک به نـام ام البنین علیهاالسـلام نام نوزاد را فاطمه بگـذارد، ولی خویشاونـدان شوهرش مخالفت کردند و نام نوزاد را بشـری گذاشـتند و وزیره به خاطر سوگندی که یاد کرده بود، کفّاره پرداخت.(۱)

۱- ام البنین علیهاالسلام ؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۴۲ با گزینش.

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

اشعار

متون ادبی

اشعار

اشاره

اشعار

شعر، درونی ترین لایه های وجود آدمی را متأثّر می سازد، احساسات و عواطف پاک انسانی را به خدمت می گیرد و به آن سامان می بخشد. درباره ام البنین علیهاالسلام نیز اشعاری به عربی و فارسی سروده شده است که در این جا تنها به گزیده ای از اشعار فارسی بسنده می کنیم:

داغِ دل ام البنین علیهاالسلام

داغِ دل ام البنین علیهاالسلام

چشمه خور از فلک چارمین

سوخت ز داغ دلِ ام البنین

آهِ دلِ پرده نشینِ حیا

بُرده دل از عیسی گردون نشین

دامنش از لَخت جگر لاله زار

خون دل و دیده روان ز آستین

مرغ دلش زار چو مرغ هَزار

داده ز کف چار جوانِ گُزین

کعبه توحید از آن چارتن

یافت ز هر ناحیه رکنی رکین

قائمه عرش از ایشان به پای

قاعده عدل از آن ها متین

نغمه داوودی بانوی دهر

کرده بسی آبْ دل آهنین

زهره ز ساز غم او نوحه گر

مویه کُنان، موی کَنان حور عین(۱)

ناله و فریاد جهان سوز او

لرزه در افکنده به عرش برین

مفتقر از ناله بانوی دهر

عالمیان تا به قیامت غمین

علامه غروی اصفهانی (کمپانی)

۱- دیوان کمپانی، علامه غروی اصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸، صص ۱۲۰ _ ۱۲۲ با گزینش.

داغ جاودانه

داغ جاودانه

کسی که غم به دلش کرده آشیانه، منم

شرار درد به جانش کشد زبانه، منم

کسی که مادر خوشبخت روزگاران است

و لیک تیر بلا را بود نشانه، منم

کسی که همسری با علی بود فخرش

و لیک غم زده بر هستی اش زبانه، منم

به یاد قبر عزیزان خویشتن هر روز

کسی که ساخته اندر بقیع لانه، منم

کسی که چار پسر بوده حاصل عمرش

که از شهادتشان خورده تازیانه، منم

شنیده ام که به چشمش نشست تیر جفا

کسی که باز بر آن تیر شد نشانه، منم

شنیده ام که شده پایمال، جسم حسین

کسی که سوزد از این داغ جاودانه، منم

غریب دشت بلا را دریغ مادر نیست

کسی که گریه بر او کرده مادرانه، منم

دو نازدانه ز عباس من به جا مانده

کسی که سوخته با این دو شمعِ خانه، منم

قلم زده است مؤیّد چو در مصیبت من

کسی که شافع او شد بر این بهانه، منم(۱)

سیدرضا مؤید

پیک عزا

پیک عزا

اندر مدینه، پیک عزا از سفر رسید

ز اخبار جان گداز به دل ها شرر رسید

آمد خبر که زاده زهرا شهید شد

ظلم و ستم به عترت خیر البشر رسید

ام البنین نِیَم که ندارم دگر پسر

از قتل چار تن پسرانم خبر رسید

گویند هر دو دست ابوالفضل شد جدا

خاکم به سر چگونه عمودش به سر رسید؟

بر گو تو ای صبا به ابوالفضل کای جوان

از مرگ ناگهان تو عمرم به سر رسید

عباس! چون تسلّی طفلان تو دهم

گویم خبر ز مرگ پدر از سفر رسید؟(۲)

۱- گل های اشک، سیدرضا مؤید، ص ۲۱۷.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیهاالسلام ص ۱۶۴.

ام بی بنین

ام بی بنین

چه دارد این شب خونین در آستین، امشب

که نیست صحبتی از صبح راستین امشب

مگر ز هجرت خورشیدها خبر دارد

که صبح کرده نهان روی شرمگین امشب

اگر به گریه خونین بهانه می خواهی

بیا مجسمه داغ را ببین امشب

بیا که مادر شیران مستِ عاشورا

به قلب شب زده با ناله ای حزین امشب

بگو که چیست حکایت مگر فضیلت را

فتاده است از انگشتری نگین امشب

چراغ ناله مستانه را بر افروزید

به یاد بی کسی امِّ بی بنین امشب

زِ شهر شیونِ ام البنین بی فرزند

«فرید» آمده با آهی آتشین امشب(۱)

قادر طهماسبی (فرید)

زبانِ حال مادر

زبانِ حال مادر

چو لاله داغ دارد، دل غمین است

زبان حال آن مادر چنین است

همی فرمود با قلب حزینی

اویلی کیف لی ام البنینی

مرا ام البنین دیگر ندانید

به این نامم دگر هرگز نخوانید

سخن با من به جز از غم نگویید

دل شاد از من گریان مجویید

شنیدم دست عباسم جدا شد

جدا از تن به دشت کربلا شد

شنیدستم منِ دلْ زار خسته

که فرقش با عمود کین شکسته

شنیدستم که روی خار و خاره

تنش افتاده بی سر، پاره پاره

ولی با این همه، گریان و نالان

منم بهر حسین آن جان جانان(۲)

۱- پیام زن، تیر ۱۳۷۳، ص ۴۶.

۲- اشک شمع، علی سهرابی صفا، ص ۲۸ (با اندکی گزینش).

داغدیده

داغدیده

ناله ای جان سوز، دل ها را پریشان می کند

کیست این غم دیده، کز سوز دل افغان می کند

کیست بانوی سیه پوشی که هر روز از قریش

می رود اندر بقیع و ناله از جان می کند

سال ها از ماجرای کربلا بگذشت و باز

این زن غم دیده یاد از آن شهیدان می کند

در عزای چار فرزندش کند بزمی به پا

شمعِ آن بزم عزا، از اشک چشمان می کند

می کشد با حسرت بسیار نقش چار قبر

وز غم هر یک خروش از قلب سوزان می کند

دم به دم گوید نخوانیدم دگر ام البنین

زین بیان، دل های جمعی را پریشان می کند

چون به یاد آرد ز درد و داغ جان سوز حسین

جای اشک از دیده، خونِ دل به دامان می کند

او بریزد اشک غم بهر حسین و در عوض

فاطمه در ماتم عبّاس افغان می کند

ای مؤید! دامن ام البنین از کف مده

کاین ملیکه با نگاهی، درد درمان می کند(۱)

سیدرضا مؤید

۱- گل های اشک، ص ۲۱۶.

داغ آتشین

داغ آتشین

این جا مزار فاطمه، ام البنین است

یا مادری غم دیده مدفون زمین است

این جا نهاده سر به خاکِ غربت و غم

مظلومه ای کز مرگ گل هایش غمین است

در دامنش پرورده سرداری چو عباس

آری، چنین زن، مادری شیر آفرین است

خون گریه کن ای زایر شهر مدینه

بنگر که این جا با غمی افزون، قرین است

هم ناله با ام البنین خون جگر شو

کز بار محنت، خسته و زار و حزین است

شد جان او آزرده از رنج زمانه

بر سینه اش چون لاله، داغی آتشین است

خاک مدینه! حرمت او را نگه دار

کو اختر برج شرف، بانوی دین است

ای زاده ام البنین! بر ما نظر کن

بر درگهت چشم امید زایرین است

این جا مکان یأس و نومیدی نباشد

زیرا نگاه لطف تو بر ما یقین است(۱)

محسن صافی

مظهر مهر و وفا

مظهر مهر و وفا

همسر مولا امیرالمؤمنین

مظهر مهرو وفا، ام البنین

السلام ای گوهر دریای عشق

السلام ای لاله صحرای عشق

السلام ای لؤلؤ بحر شرف

گوهر ایثار و عصمت را صدف

السلام ای مادر سلطان عشق

نام تو دیباچه دیوان عشق

خوانده ای خود را کنیز فاطمه

داده ای درس محبت بر همه

خاك كويت توتیای چشم ما

جان عالم نام پاکت را فدا

باب حاجات همه شد پور تو

خود بود او شاخه ای از نور تو

چون به او شیر محبت داده ای

درس ایثار و عطوفت داده ای

ای تو ما را در دو دنیا دادرس

از کرم، لطفی نما، فریادرس(۲)

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیهاالسلام ، ص ۱۸۳.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ ام البنین علیهاالسلام ، صص ۱۴۷ _ ۱۴۹ با گزینش.

متون ادبی

اشاره

متون ادبی

زیر فصل ها

دست های آسمانی

یاد عباس

عطر بقیع

دست های آسمانی

دست های آسمانی

سلام بر دست های آسمانی ات! سلام بر نگاه مهربانت که صلابت و استواری را بازتاب می دهد. سلام بر دامان پرمهرت که قهرمان می پرورد. سلام بر مرواریدهای جاری بر گونه ات که تجلی صفا و حیا و عصمت است. سلام بر صبوری ات که ایستادگی و پایداری را معنا کرد. سلام بر تو ای مادر عشق و وفا و ای مادر فضیلت و ایثار. نامت پژواکِ استقامت مادری رنج کشیده و مصیبت دیده است که پرده سیاه شب را شکافت و رسوایی شب پرستان را فریاد کرد. نامت، تداعی کننده اقیانوس ادب، فروتنی و صداقت است. ایثار، ادب، وفاداری، صلابت و شهامتت الگوی شیرزنان آزاده ای است که نام تو را چراغ راه خویش یافته اند.

یاد عباس

یاد عباس

طلیعه صبح مدینه، راه خود را گم کرده بود و آستین شب، از واگویه های ناگفتنی پر بود. گویی سپیده از هجرت خورشید و ستارگان آسمان کربلا- آگاهی داشت که از شرم، رخ نهان کرده بود. در آن میان، ام البنین علیهاالسلام ــ مادر عباس علیه السلام ــ حالتی دیگرگون داشت. او تندیس داغ بود که چهار جوان رشیدش را که تکیه گاه محکم او بودند، از دست می داد. داغ و اندوه او حتی دشمنانش را نیز شرمنده می کرد و به تأثر وا می داشت. ناله مستانه اش سیاهی شب را می درید. لحظه ای یاد عباس و دست های بریده شده اش، فرق شکافته و چشم تیر خورده اش از ذهن ام البنین علیهاالسلام زدوده نمی شد. با این حال، شاید بیشترین تأثّرش از آن بود که چرا

عباسـش نتوانسـته مشک آب را به خیمه ها و لب های خشکیده آل حسین علیه السلام برساند؛ چون نخستین پرسش او از بشیر این بود که حسین علیه السلام چه شد؟

عطر بقیع

عطر بقیع

بقیع به جز عطر فاطمه علیهاالسلام ، حسن علیه السلام ، سجاد علیه السلام ، باقر علیه السلام ، و صادق علیه السلام ، بوی عطر دل انگیز دیگری نیز می دهـد و آن، عطر مـادر عبـاس علیـه السـلام ، ام البنیـن علیهاالسـلام اسـت. مـادری کـه ولاـیت و محبت به فرزنـدان فاطمه علیهاالسـلام را با شـیره جان فرزندانش آمیخته و ادب و وفا و جانبازی در راه اهل بیت علیهم السـلام را به آنان آموخته بود. بقیع، مـادری را در خود جـای داده است که عبـاس علیه السـلام ، فرزنـد او و تجلّی پرفروغ فضـیلت هـای اوست. آری، ولایت پذیری عباس علیه السلام اثر زمزمه های شبانه ام البنین علیهاالسلام است. ادب و وفای عباس علیه السلام ، پرتویی از وفا و ادب ام البنین علیهاالسـلام و رشادت و شـجاعتش، برگرفته از شهامت اوست؛ شهامتی که در عظمت و بلندای ایمان او ریشه دارد.

عباس علیه السـلام آیینه تمام نمای مادرش، ام البنین علیهاالسـلام است. او که با استواری در بقیع گام می نهاد و بر چهره کریه ظالمان، چنگ می افکند و صحنه دیگری از حماسه حسینی را به نمایش می گذارد. در سوگ عزیزانش می گرید؛ ولی گریه ای افشـاگرانه که هم بیـانگر عشق مادری داغ دیـده است و هم نشانگر مظلومیت آل اللّه و هم برملا کننـده هـدف های شوم و اراده های پلید و کردارهای جنایت کارانه نابکاران و ستمگران.

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوّم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

توصیه های کلی

پیشنهادهای برنامه ای

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

پرسش های مردمی

توصیه های کلی

توصیه های کلی

ام البنین علیهاالسلام از زنان باایمان و مبارز صدر اسلام است که فرزندانی بزرگ و اسوه پرورش داد. این بانوی بزرگ اسلام، فضیلت هایی را در خود جمع کرده است که می تواند الگوی زنان پاکدامن و فرهیخته باشد. از این رو، پیشنهادهایی در زمینه الگوسازی از زندگی ایشان در جامعه اسلامی ارایه می شود:

۱ ـ می دانیم که شناساندن الگوهای خودی دو ویژگی دارد:

الف) موجب می شود که افراد به الگوهای بیگانه، رغبت نشان ندهند و در معرض تهاجم فرهنگی بیگانه قرار نگیرند.

ب) وجود الگو، هدف را قابل دسترس تر می کند. پس شناسایی الگو در فرهنگ خودی، اهمیت فراوان می یابد. بنابراین، شایسته است رسانه ملی در شناسایی الگوهای اسلامی برای گروه های گوناگون اجتماعی تلاش کند و در راه بسترسازی برای فرهنگ پویای اسلامی بکوشد.

۲ ـ از جمله مواردی که باید درباره ازدواج بدان توجه شود، ویژگی های معنوی و اخلاقی همسر است که افزون بر تأثیر داشتن مستقیم در زندگی مشترک، در پرورش و رشد فرزندان نیز اهمیت دارد. بر این اساس، ماجرای خواستگاری امیرمؤمنان علیه السلام از ام البنین علیهاالسلام و تأکید بر ویژگی های نیکوی همسر می تواند درس آموز باشد.

۳ _ بعد از درگذشت همسر اول آمدن همسر دوم در خانه معمولاً با درگیری ها، بگو مگوها و تبعیض هایی میان همسر دوم و فرزندان همسر اول همراه است. این در حالی است که آمدن ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام نه تنها اختلافی ایجاد نکرد، بلکه بر مهربانی در خانه و همدلی افراد خانواده افزود. فداکاری و مهربانی ام البنین علیهاالسلام ، فرزندانی در خور و شایسته امیرمؤمنان علی علیه السلام تربیت کرد. بنابراین، باید این خانواده را به عنوان الگوی خانواده در جامعه اسلامی معرفی کرد.

پیشنهادهای برنامه ای

پیشنهادهای برنامه ای

۱ _ اگرچه جنبه های گوناگون زندگانی ام البنین علیهاالسلام مبهم است و قابلیت ساخت فیلم و سریال را ندارد، ولی آمدن بشیر به مدینه و آوردن خبر واقعه کربلا و برپایی عزا و ماتم در مدینه، موضوع مناسبی برای ساخت برنامه است.

۲ _ در برنامه های خانوادگی یا برنامه های اجتماعی و روان شناسی، موضوع هایی مانند: ازدواج امام علی علیه السلام با ام البنین علیهاالسلام ، حضور موفق ام البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه السلام و خدمت ام البنین علیهاالسلام به فرزندان فاطمه زهرا علیهاالسلام با حضور کارشناسان، بررسی شود.

۳ _ می توان برنامه جداگانه ای ساخت و در آن زنان صدر اسلام را به جامعه شناساند. این امر با توجه به ناآشنایی زنان جامعه با این الگوهای تاریخ ساز، کاری شایسته و مناسبی خواهد بود.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱ ــ ام البنین علیهاالسلام کیست؟ همسر امام علی علیه السلام و مادر عباس علیه السلام

۲ ــ ام البنین به چه معنا است؟ مادر پسران

۳ ــ نام ام البنین علیهاالسلام چه بود؟ فاطمه

۴ ــ ام البنین علیهاالسلام از چه طایفه ای است؟ کلاب (کلابیّه)

۵ ــ خاندان ام البنین علیهاالسلام به کدام ویژگی ها مشهور بودند؟ شجاعت و دلیری.

۶ ــ چه کسی علی علیه السلام را برای برقراری پیوند ازدواج با خانواده و خاندان ام البنین علیهاالسلام ، راهنمایی کرد؟ عقیل بن ابی طالب.

۷ ــ عقیل با امام علی علیه السلام چه نسبتی داشت؟ برادر ایشان بود.

۸ ــ فرزندان ام البنین علیهاالسلام را نام ببرید؟ عباس، جعفر، عبداللّه و عثمان.

۹ ــ آیا ام البنین علیهاالسلام پس از علی علیه السلام ازدواج کرد؟ خیر.

۱۰ ــ آیا ام البنین علیهاالسلام در حادثه کربلا حضور داشته است؟ خیر.

۱۱ ــ ویژگی برجسته ام البنین علیهاالسلام ، چه بود؟ ولایت پذیری و عشق به اهل بیت علیهم السلام .

۱۲ ــ آرامگاه ام البنین علیهاالسلام در کجاست؟ قبرستان بقیع در مدینه.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ ــ درباره قبیله و زمان ولادت ام البنین علیهاالسلام توضیح بفرمایید.

۲ ــ ام البنین به چه معنا است و چرا به ایشان ام البنین علیهاالسلام گفته اند؟

۳ ـ ام البنین علیهاالسلام نزد اهل بیت علیهم السلام چه مقام و منزلتی دارد؟

۴ ـ ام البنین علیهاالسلام نزد شیعیان چه مقام و جایگاهی دارد؟

۵ _ درباره ویژگی های برجسته ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید؟

۶ _ ادب، فروتنی و ولایت پذیری ام البنین علیهاالسلام نسبت به اهل بیت چگونه بود؟

۷ _ درباره مقام شاعری و سخنوری ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید؟

۸ _ ازدواج علی علیه السلام با ام البنین علیهاالسلام چگونه صورت گرفت؟

۹ _ رفتار ام البنین علیهاالسلام با فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام چگونه بود؟

۱۰ _ آیا ام البنین علیهاالسلام هنگام حادثه عاشورا زنده بوده است؟

۱۱ _ حضرت ام البنین علیهاالسلام پس از واقعه عاشورا چگونه زیست و عملکرد وی چه نتایجی در پی داشت؟

۱۲ _ فرزندان ام البنین علیهاالسلام چه کسانی هستند؟

۱۳ _ درباره زمان و مکان درگذشت ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید.

۱۴ _ زنان جامعه ما از زندگی ام البنین علیهاالسلام چه درس هایی می توانند بگیرند؟

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱ _ به نظر شما چرا مردم ما به حضرت عباس علیه السلام و مادرش ام البنین علیهاالسلام علاقه مند هستند؟

۲ _ از زندگانی حضرت ام البنین علیهاالسلام چه درس هایی می توان گرفت؟

۳ _ چرا حضرت ام البنین علیهاالسلام در بقیع سوگواری می کرد؟ این سوگواری چه آثاری داشت؟

۴ _ روش حضرت ام البنین علیهاالسلام در پیام رسانی حادثه کربلا چگونه بود؟

۵ _ آیا شما ام البنین علیهاالسلام را می شناسید؟

۶ _ به نظر شما بهترین توضیحی که از ام البنین علیهاالسلام می توان داشت، چیست؟

۷ _ چه عبرت هایی در زندگانی مشترک حضرت ام البنین علیهاالسلام با امام علیه السلام وجود دارد؟

کتاب نامه

کتاب نامه

۱ _ ابن اثیر جوزی، عزّالـدین؛ اسـدالغابه فی معرفه الصـحابه، تحقیق، محمـدابراهیم بنّاومحمداحمد عاشور _ بیروت _ لبنان _ دارالشاب.

۲ _ ابن حجر عسقلانی؛ الاصابه فی تمیز الصحابه.

۳ _ ابن حجر عسقلانی؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، تحقیق: شیخ عادل احمدعبدالموجود، شیخ علی محمد معوّض، بیروت _ لبنان دارالکتب العلمیه،۱۴۱۵ ه . ق.

۴ _ ابن شهر آشوب؛ المناقب، قم، انتشارات علاّمه.

۵ _ ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، قم، انتشارات معد، چ اول، ۱۴۱۹ ه . ق.

۶ _ ابن عنبر؛ عمده الطالب، انتشارات رضی، چ دوم، قم، ۱۳۶۲ ه . ش.

۷ _ ______________________________، قم، صدر، چ اول، ۱۴۱۷ ه . ق.

۸ _ ابوالفرج اصفهانی؛ مقاتل الطالبیین، تحقیق: سیداحمد صقر، قم، شریف رضی،۱۳۷۲ ه . ق.

۹ _ ابوفداء، عمادالدین اسماعیل؛ البدایه و النهایه، بیروت _ لبنان، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ه . ق.

۱۰ _ ______________________________؛ تاریـخ ابوفـداء (المختصـر فی ابنـاء البشـر)، قاهره _ مصـر، مکتبه المتبنّی.

۱۱ _ الحائری، شیخ محمدمهدی؛ معالی السبطین، بیروت _ لبنان، مؤسسه النعمان.

۱۲ _ المقرم، عبدالرزاق، العباس؛ انتشارات شریف رضی، چ اول.

۱۳ _ امین، سیدمحسن؛ اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ه . ق.

۱۴ _ ______________________؛ المجالس السنّیه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، لبنان،۱۳۹۸ه . ق.

۱۵ _ امین، سـیدمحسن؛ لواعـج الاشـجان فی مقتل الحسـین علیه السـلام ، تحقیق سـیدحسن امین، بیروت _ لبنان، دارالامیر، چ اوّل، ۱۹۹۶ م.

۱۶ ـ بخاری، ابی نصر؛ با تعلیق: سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۱ ه . ق، قم، چاپ خانه نهضت.

۱۷ _ تستری (شوشتری)؛ محمدتقی؛ قاموس الرجال، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ه . ق.

۱۸ _ دخیّل، علی محمد؛ العباس، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام ۱۴۰۱ ه . ق.

۱۹ _ ربانی خلخالی، علی؛ ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیهاالسلام ، قم، مکتب الحسین علیه السلام ، چاپ اوّل، ۱۳۷۸.

۲۰ _ سماوی، محمد بن طاهر؛ ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام ، نجف اشرف،چاپ خانه حیدریه، ۱۳۴۱ ه . ق.

۲۱ _ ________________________؛ تحقیق شیخ محمدجعفر طبسی، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه . ش.

۲۲ _ سویج، خطیب مهدی؛ ام البنین سیده نساء العرب، قم، امیر، ۱۳۷۷ ه . ق.

۲۳ _ شبّر، جواد؛ ادب الطف او شعراء الحسین علیه السلام ، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۹ه . ق.

۲۴ _ شیخ صدوق؛ علل الشرایع، انتشارات حیدری، نجف، افست کتاب خانه داوری،۱۳۸۵ ه . ق.

۲۵ _ شیخ طوسی؛ رجال شیخ طوسی، کتاب خانه حیدریه، نجف، رضی، چ اول،۱۳۸۰ ه . ق.

۲۶ _ ________________________؛ قم، انتشارات جامعه مدرسین، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چ اول، ۱۴۱۵ ه . ق.

۲۷ _ شیخ مفید؛ الارشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد، برگردان: محمدباقر ساعدخراسانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۶ ه . ق.

۲۸ _ صفایی حائری، عباس؛ تاریخ سیدالشهداء، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۹ ه . ش.

۲۹ _ طبری، ابی جعفر محمد بن جریر؛ تاریخ طبری، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، ج ۵، بیروت _ لبنان، داراحیاء التراث العربی.

۳۰ _ عبدالامیر انصاری، محمدرضا؛ ام البنین نماد از خودگذشتگی، برگردان،موسی دانش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چ اوّل، ۱۳۷۵ ه . ش.

۳۱ _ قمی، شیخ عباس؛ الکنی و الالقاب، نجف، حیدری، ۱۳۷۶ ه . ق، چ افست،تهران، صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ه . ش.

۳۲ ـ ـــــــــــــــــــــــــــــــ؛ سفینه البحار.

۳۳ ـ ـــــــــــــــــــــــــــــــ؛ منتهی الآمال، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم،دلیل، ۱۳۷۶ ه . ش.

۳۴ ــ ـــــــــــــــــــــ؛ نفس المهموم، انتشارات مکبه الحیدریّه، ۱۴۲۱ ه . ق.

۳۵ ــ کحّاله، عمر رضا؛ اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، مؤسسه رسالت،چ پنجم، ۱۴۰۴ ه . ق.

۳۶ ــ کمپانی، محمدحسین؛ دیوان کمپانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران،۱۳۳۸ه . ش.

۳۷ ــ مامقانی، شیخ عبداللّه ؛ تنقیح المقال فی احوال الرّجال، ج ۲، نجف، ۱۳۵۰ه . ق.

۳۸ ــ مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چ سوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۳۹ ــ محلّاتی، ذبیح اللّه ؛ ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ اول، ۱۳۶۸ ه . ق.

۴۰ ــ مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت ــ لبنان، دارالاندلس. برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چ پنجم، ۱۳۷۴ ه . ش.

۴۱ ــ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹